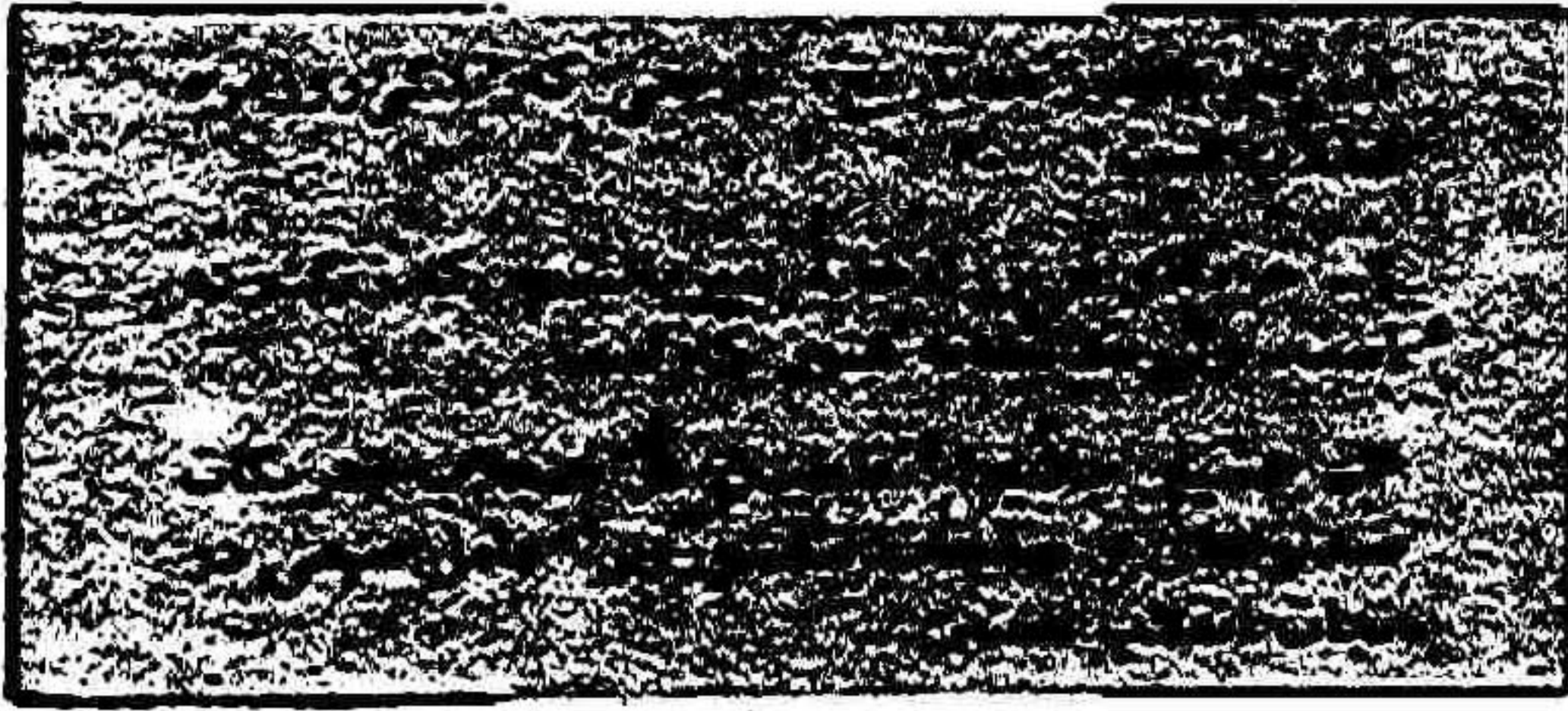


تحریکات ضد توده‌های و تبلیغات ضد شوروی زمینه‌ای است برای انجام توطئه‌های ضد انقلابی



خواست است توطئه‌ای را علیه انقلاب مبارزه انقلاب ضربه‌ای وارد آورد و انقلاب را به شکست و جمهوری اسلامی ایران را به نابودی بکشانند، همیشه و بدون استثنا، تدارکات را با حلات کور ضد توده‌ای و کارزار تبلیغاتی پرباه ضد شوروی همراه کرده است. آنچه بر سر خلق‌ها میگذرد، نباید بی‌توجهی درصفت ۴

به تاریخ سرسبز، پنجاه ساله لازم نیست برگردیم. اگر چه آنهم مشحون از درس‌های عبرت‌انگیز است. همین یکسال و نیم انقلاب هم که دیگر فراگرفتن از نقل قول‌ها و خواندن از روی کتابها نیست، کافی است تا نشان دهد که، هر بار امپریالیسم آمریکا، این سرکرده نیرو-های امپریالیستی و سازمان-دهنده عوامل ضد انقلابی،

تجاوز نظامی جزء «طبیعت سیاسی» امپریالیسم آمریکاست

چک اندرسن، روزنامه‌نگار آمریکائی فاش کرده است که: نظامیان آمریکا طرحی برای یک حمله گسترده و قوی نظامی علیه ایران برای کارتر تهیه دیده‌اند. این عملیات ظاهراً برای نجات گروگانها تنظیم شده است، اما در واقع برای تلافی شکست نظامی آمریکا در طیس و کسب حیثیت کارتر است. مقامات رسمی وزارت دفاع آمریکا پذیرفته‌اند که عملیاتی تحت نام رمز «جهش مثبت ۸۰» وجود دارد. تجاوز نظامی جزء «طبیعت سیاسی» کارتر است. چک اندرسن، روزنامه‌نگار آمریکائی

پایین اعتراف کرده است که تمام خیرهای دیگر درباره تدارک توطئه جدید بزرگ آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. مقامات مسئول کشور موقتند که هر چه زودتر و قاطع‌تر شبکه‌های توطئه‌ها را اعزاز نظامی، سیاسی و تبلیغاتی، کشف و سرکوب کنند. این خواست انقلابی مردم ایران است.

نامه
مردم
از گان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۱۰
دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۵۹، بهار ۱۶۵ ریال

دستگاه دولت را، از سطح وزرا تا پائین، با انقلابیون متعهد، کاردان و متخصص

مجهر کنیم

کارشناسان، در صورتیکه مخالف انقلاب شکوهند ایران باشند، استفاده کند. کاردانی و تخصص هرگز ملاک عدم انتخاب در جامعه انقلابی نیست. عناصر غیر انقلابی، مشکوک، ناصالح و زیانکار باید از مقامات حساس مملکتی بزرگوار شوند و بجای آنها باید از نیروهای انقلابی جوان، متعهد و کارداران، پوست و باجسارت بدون خودمحمور بینی و انحصارطلبی، بدون تک‌تک نظری گروهی، ولی با ملاک عدم تمسب به انقلاب و وفاداری به تحکیم جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد. تنها از این راه است که نظام جمهوری اسلامی ایران بتواند کاردارهای انقلابی متعهد، کارداران و متخصص خود را پرورش دهد. بدون پرورش چنین کاردارهای انقلابی متعهد، کارداران و فعال در همه سطوح مدیریت، نمیتوان وظایف خطیر را که در راستای انقلاب شکوهند ایران، تحکیم و گسترش دستاوردهای آن، قطع زبانه نمود. امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و تأمین و تضمین استقلال و آزادی، ترقی و رفاه همگانی در پیش است. با موفقیت، با حداقل زیان و حداکثر بهره پیاپی کرد.

توانین و تصمیمات مجلس است و باید هدفهای انقلاب را به فعل درآورد، تنها مرکب از وزیران نیست. آنچه در این باره بسیار مهم است اینست که، استفاده از نیروهای متعهد انقلابی و گزینش افراد ممتاز و در عین حال کارداران و متخصص نباید در سطح وزرا و اعضای کابینه متوقف گردد، زیرا همچنانکه نخست‌وزیر، هر قدر هم انقلابی، متعهد و کارداران باشد، به تنهایی به انجام وظایف خطیریکه بویژه در شرایط پیچیده و دشوار کنونی در مقابل جامعه انقلابی ما قرار دارد، قادر نخواهد بود. پیمان‌نویز و وزیر مربوطه، هر قدر هم انقلابی، متعهد، کارداران و فعال باشند، باز هم به تنهایی و بدون کمک افراد انقلابی شایسته، متعهد و صالح در سطوح مختلف نخواهند توانست وظایف محوله را به نحو احسن انجام دهند. توانین محسوب را اجرا کنند و به هدفهای تعیین شده برسند. بطوریکه تجربه زندگی و مبارزه روزانه نشان میدهد، پاکسازی چندی بنیادی دستگاه دولتی، که به ارت از رژیم طاغوتی باقی مانده است، و نوسازی آن هنوز هم کاملاً مبرم و ضروری است. نظام متحول جمهوری اسلامی ایران بپیچیده نمیتواند و نباید از بهترین متخصصین و صاحب‌بنام‌ترین

این روزها که آقای رجائی نخست‌وزیر، به بررسی ترکیب هیئت دولت و تشکیل نخستین دولت رسمی جمهوری اسلامی ایران همت گماشته‌اند، بسیاری از مقامات مسئول مملکتی، مردم عادی، سیاستمداران و دیگران نظر خود را پیرامون چگونگی هیئت دولت، برنامه آن و وزرای کابینه اظهار میدارند. واضح است که دولت جمهوری اسلامی ایران در جمع خود و در سیاست عمومی خود، و هر یک از وزرای آن به تنهایی و در بخش مربوط به خود، بیش از هر چیز باید عمیقاً به اهداف انقلاب ایران متعهد و متمسب باشند. این نخستین شرط اساسی و ضروری جهت انتخاب هر یک از وزرای یک دولت انقلابی است. در عین حال باید انفراد دانست که در جامعه متحول کنونی ایران، افراد انقلابی متعهد و متمسب بزرگ کم نیستند. لذا باید بین اینگونه انقلابیون متعهد و متمسب، از لحاظ کاردانی و تخصص، انرژی و نیروی فعال جوانی (چنانکه بهر انقلاب، امام خمینی هم اشاره کرده‌اند) شایسته‌ترین آنها را برگزید. و ظاهراً در این زمینه است که آقای رجائی نخست‌وزیر، تاکنون متحول بررسی، مشورت و مصلحت‌اندیشی است. ولی البته دستگاه دولتی، که مجری

بدون تفسیر

در باره چین

تفسیرنامه: ما باید روابط خود را با چین خیلی وسیعتر و بهتر کنیم، زیرا در خیلی از جهات ما با چین در رابطه هستیم و چیزهای زیادی را می‌توانیم از آنها یاد بگیریم... (اطلاعات ۹ تیر ۵۹)
سر مقاله «جمهوری اسلامی»: چین دیگر امروز خود را به شکل سرلی برای توطئه امپریالیسم در منطقه در آورده است و از دیدن ما نگاه طعمه‌جویانه‌ای به هندوستان می‌نگریست. چین امروز میخواهد ارتش خود را به سلاحهای امپریالیسم مجهز کند. (۲۶ مرداد ۵۹)

در باره پاکستان

تفسیرنامه: اعتقاد ندارم پاکستان کاملاً وابسته به آمریکاست... (کیهان ۴ تیر ۵۹)
امام خمینی: مشکل مسلمین، حکومت‌های مسلمین است... پاکستان مگر از مشکلات مسلمین نیست؟ (اطلاعات ۱۹ مرداد ۵۹)
حجت‌الاسلام احسان بخش (نماینده امام جهت بررسی وضع سفارتخانه‌های ایران در پاکستان و هند): «بدون هیچ تردیدی پاکستان وابسته به آمریکاست... (نامه مردم - نقل از روزنامه جنگل - ۱۶ مرداد ۵۹)
احمد ملانزاه نماینده گناباد: «راستی ما تا امروز سیاست قطب‌زاد را تقبیلیم، اگر واقعا از اسلام دفاع میکنند، پس چرا در پاکستان از شیاعالحق جانبداری کرده حرف‌های او در کنفرانس اسلام آباد بنظم دفاع از امپریالیسم بود تا از مسلمانان...» (کیهان ۲۱ تیر ۵۹)
نهضت انقلاب اسلامی پاکستان: سفارت پاکستان در تهران وظیفه لانه جاسوسی آمریکا را انجام میدهد. امپریالیسم جهانخواه آمریکایی امروزه با از دست دادن ایران نمیتوان حامی امپریالیسم... و برای برگردن خلاء ایران و سرکوب مسلمانان میخواهد شیاعالحق را چنانستین «شاه سازد و آقا شاهی را بجای «ارتشیر زاهدی» مأمور فعالیت‌های تبلیغی و محرمانه خود در منطقه نماید...» (نامه مردم ۲۶ تیر ۵۹)

امپریالیسم آمریکا با تشدید مسابقه تسلیحاتی و احیاء جنگ سرد، بشریت را با خطر جدی روبرو ساخته است

و گسترش همه انواع نیروهای مسلح و در نوبت اول نیروهای هسته‌ای استراتژیکی را در نظر دارد. او بازم ادعاهای ناحق درباره سرکردگی آمریکا در جهان امروز را تکرار و تأکید کرد و تقریباً همه‌جانبه منطقه منافع حیاتی ایالات متحده آمریکا اعلام نمود.
بدین ترتیب کاملاً آشکار شد که برنامه کلی نظامی دولت کنونی آمریکا، سمت گسترش و تشدید هم‌جانبه مسابقه تسلیحاتی را پیش گرفته است. آنموقع مفسرین آمریکائی متذکر شدند که سخنرانی وزیر دفاع با تبلیغات انتخاباتی رئیس جمهور ارتباط داشته است. زیرا سرمدار پنتاگون، آقای براون، در تعلق خود پشت نظریات نظامی - سیاسی برنامه انتخاباتی حزب جمهوریخواه را مورد انتقاد قرار داده بود. در برنامه حزب جمهوریخواه کسب برتری نظامی آمریکا نسبت به شوروی اعلام شده است و در این ارتباط هارولد براون اعلام کرد که این ادعاها «غیر واقعی» ساده‌لوحانه و خطرناکند. اما در واقع اظهارات بقیه درصفت ۴

ویران گردد. نظامیان آمریکا برای استفاده از دو گونه اسلحه جدید، یعنی موشکهای استراتژیک سریع‌العمل «ام. ایکس» و موشکهای بالدارچیز به بیگانهای هسته‌ای نیرومند، اهمیت ویژه‌ای قائلند. مطبوعات آمریکا و دیگر کشورها اطلاع دادند که رهبری نظامی و سیاسی آمریکا همواره به تهیه طرح‌هایی متحول بوده‌اند که هدفش پیشدستی در وارد کردن ضربه هسته‌ای به اتحاد شوروی بود. یک کشورهای سوسیالیستی است. این طرح جنگ هسته‌ای آمریکا، که وزیر دفاع آن کشور نیز اعلام داشته است، در حقیقت بخشی از برنامه کلی نظامی است که امپریالیسم تجاوزکار و سلطه‌گر آمریکا دنبال میکند. در حدود دو هفته پیش در شهر اوکلند، از استان کالیفرنیا، همین آقای هارولد براون سخنرانی ایراد کرد. که طی آن در واقع برنامه کلی نظامی دولت کنونی آمریکا را توضیح داد. او گفت: «از لحاظ یک دولت بر قدرت احتیاجات ما در قسمت دفاع نظامی جبهه جهانی داریم. او متذکر شد که نقشه‌های نظامی آمریکا تحکیم

مطبوعات آمریکا و رسانه‌های گروهی جهان اظهارات هارولد براون، وزیر دفاع آمریکا را درباره نقشه‌های جنگی هسته‌ای آمریکا منتشر کردند. گرچه وزیر خارجه آمریکا، امونند ماسکی، قورا از این طرح‌ها اظهار برائت کرد و رئیس‌جمهور جیمی کارتر هم گفت که گویا از طریق روزنامه‌ها از وجود این نقشه‌ها آگاه شده است، مخالفت‌دیده میشود که سرمداران متعهدهای کلان نظامی - صنعتی آمریکا، که پیروزی بردی جنبش‌های رهاکنش ضد امپریالیستی خلق‌ها در دوران تنش‌زدائی را دیده‌اند، سخت پیرامی افتند و درصدد ایجاد تشنج و وخامت در اوضاع بین‌المللی برآمده‌اند.
گزارش خبرگزاری فرانسیس از واشنگتن حاکی از آنست که این اواخر کارتر رئیس‌جمهور آمریکا خود رهنمود تازه‌ای را درباره آمواجباتیکه در خاک شوروی باید مورد ضربه هسته‌ای آمریکا قرار گیرد، امضا کرده‌است. بقرار امضای در این رهنمود از نقشه‌های قبلی آمریکا صرف‌نظر نشده است. در این نقشه‌ها در نظر گرفته شده‌است که اگر ضربه هسته‌ای به آمواجباتیکه نظامی و صنعتی بعد کافی موثر واقع نشود، ۲۰۰ شهر شوروی باید

حفظ جان رهبران انقلاب و شخصیتهای انقلابی مذهبی و سیاسی یک وظیفه مبرم و ضروری است

حادثه سقوط هلی‌کوپتر آقای پنی‌سدر رئیس‌جمهور خوشبختانه بختی گذشت و ما از سلامتی ایشان صمیمانه خرسندیم.
ولی این حادثه از یکسو، و خبرهایی که از نقشه ضد انقلاب برای نابودی و ترور رهبران انقلاب، مسئولان جمهوری اسلامی ایران و شخصیتهای انقلابی مذهبی و سیاسی میرسد، از سوی دیگر، بار دیگر مسئله حفظ جان رهبران انقلاب، مسئولان جمهوری اسلامی ایران و شخصیتهای انقلابی مذهبی و سیاسی را، بعنوان یک وظیفه مبرم و ضروری، در دستور کار ارگانه‌های امنیتی و انتظامی قرار میدهد.
ما امیدواریم و انتظار داریم که هشدارهای مکرر ما در این زمینه، و همچنین حوادثی که تاکنون روی داده، مورد توجه فوری و جدی مسئولین امر قرار گیرد. باید قبل از آنکه فاجعه‌ای پیش‌آید، تدابیر فوری، جدی و اساسی اتخاذ کرد.

باید با دشمنان و مروجان این توطئه‌ها مبارزه کنیم!

امپریالیسم آمریکا...

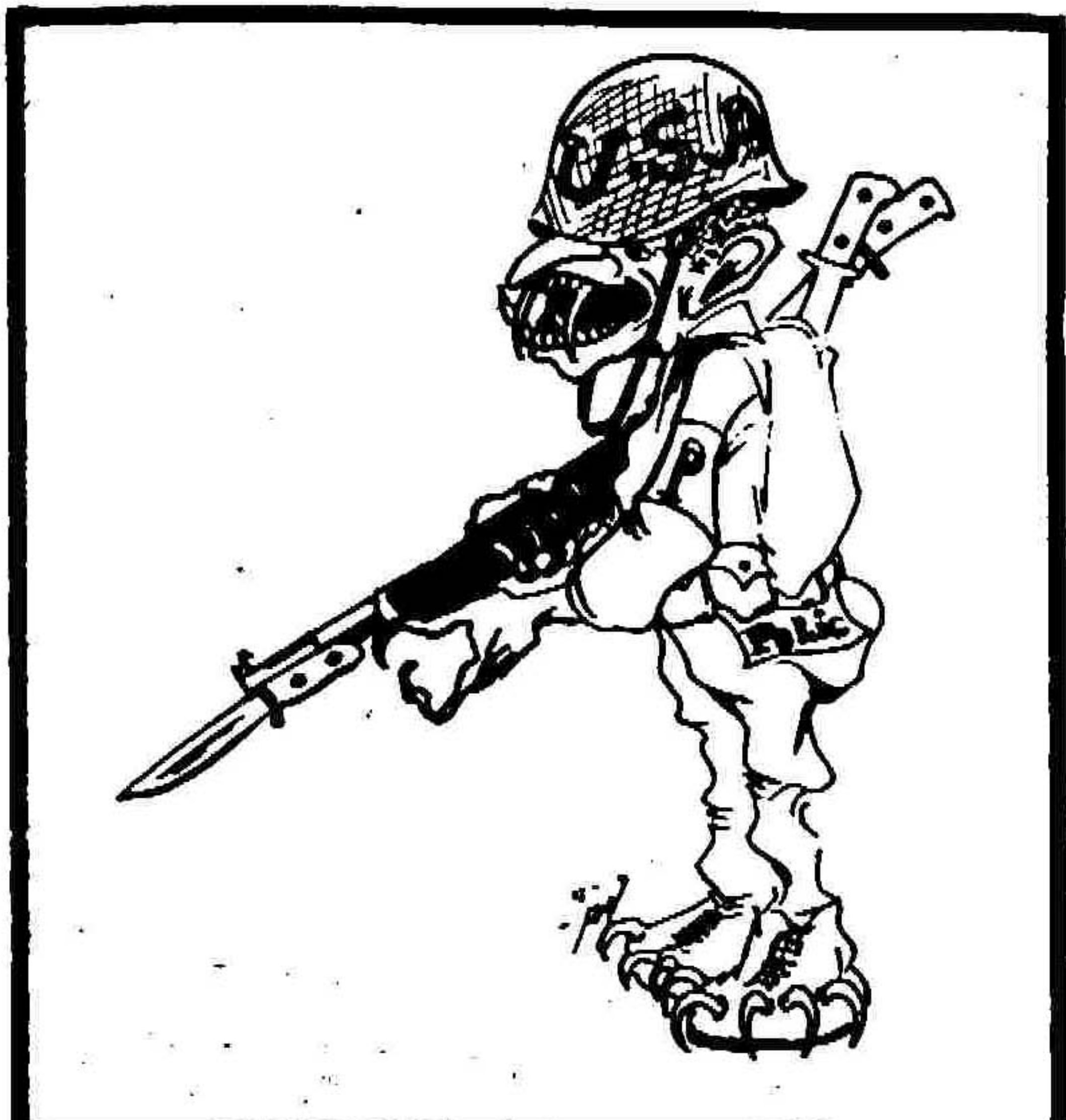
پتی از صفحه ۱
هارولد براون و رفیق بدی خود او در جهت عکس این انتقادات او بود. برنامه‌های نظامی دولت آمریکا، که اعلام کرده‌است، همچنین سستی که کاخ سفید برای گسترش و تعدید سابقه تسلیحاتی ویش گرفته است، حاکی از آنستکه دولت کارتر هرچه از دستش برمیآید، برای تغییر دادن توازن نیروها در سطح جهانی بین آمریکا و اتحاد شوروی بعمل میآورد. تأییدی نظامی برای خود بدست آورد. در این ارتباط کافی است متذکر شویم که دولت آمریکا در سال مالی آتی (۱۹۸۱) مبلغ بیست و یک میلیارد دلار برای هزینه نظامی در نظر گرفته‌است.
تدارکات نظامی که واشنگتن در حوزه اقیانوس هند و خلیج فارس می‌بیند، بخش‌ویژه‌ای از این مسابقه تسلیحاتی است. اظهارات وزیر دفاع آمریکا درباره اینکه در پنجساله آتی برای نیروهای مسلح امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس سالانه یک میلیارد دلار هزینه در نظر گرفته شده‌است، حاکی از وجود نقشه‌های بدقت طرح‌ریزی شده و درازمدت جهت تجاوز به حقوق خلیج و تحمیل سلطه امپریالیسم، برکردگی امپریالیسم آمریکا در نقاط مختلف جهانست. این اصل درازمدت بودن در همه‌امعایه که دولت کارتر برای تعدید و رخاست در منطقه وسیعی از سواحل شرقی آفریقا تا سواحل استرالیا انجام میدهد، بیستم میخورد. معاون وزیر دفاع آمریکا، کلیتوره اعلام داشت که از این پس بیاد نظام دریایی آمریکا، که جزء نیروهای واکنش سریع هستند، بطور دائمی در حوزه اقیانوس هند و خلیج فارس موضع خواهند گرفت.
واشنگتن برای درازمدت و یادقت خاصی مشغول بررسی است که، پایگاه‌های جدید نظامی را بهتر است در کجا بنا کند: در مصر یا در

سومالی، در عمان یا در کتیا. عبارت دیگر، امپریالیسم آمریکا، که بویژه در ربع قرن اخیر ضریات شدیدی از جنبش‌های رهایی‌بخش ملی چپیده و بسیاری از اصطلاح رژیم‌های با ثبات دست‌نشانده خود، نظیر رژیم طاغوت شاه سابق را از دست داده است، اکنون سخت مشغول بررسی این نکته است که در کجا میتوان شانس بیشتری در مورد «قیات» رژیم‌های موجود داشت، که منافع حیاتی اکثریت قریب‌اتفاق کشورهای حوزه اقیانوس هند و خلیج فارس را زیر پا میگذارد.
مطبوعات ایران، هر روز اخبار زیادی درباره گسترش نیروهای نظامی آمریکا، که متوجه به نواحی نفت‌خیز خلیج فارس هستند، درج میکنند. چندی پیش یک گردان ۱۸۰۰ نفری بیاد نظام دریایی آمریکا، ه فروند ناو سرباز از جمله یک ناو هلیکوپتر بنام «هاکودال کانال» وارد دریای عمان گردید. این اقدامات اخیر همه بخشی از تدارکات وسیعی است که امپریالیسم، بر سر گرد می‌آورد. امپریالیسم علیه ایران و انقلاب شکوهمند آن دوده است.
اما تدارکات نظامی امپریالیسم آمریکا باین منطقه محدود نیستند. قداره‌بندان امریکائی به توسعه پایگاه نظامی جزیره دیگو گارسیا پرداخته، فرودگاه‌های آنرا برای هواپیماهای حمل و نقل سنگین و بمبافکن‌های B۵۲ و بنا در اسکله‌های آن جزیره را برای کنار گرفتن ناوهای بزرگ تجدید سازمان میدهند.
در این اواخر با اصطلاح باز دیده‌های ناوهای جنگی آمریکا از بنادر سنگاپور و تایلند بیشتر شده است. ناوگان هفتم و واحدهای بیاد نظام دریایی آمریکا مانورهای گسترده‌ی بیاد کردن نیرو در جزیره‌های آنرا اجرا کردند. بطوریکه روزنامه‌های ژاپن نوشتند، در این مانورها چنان عملیات نظامی تمرین میشد که بی‌چوجه نمیتوانست ارتباطی با «دفاع ژاپن» داشته باشد.
امریکا به بیانه «دفاع در مقابل خطر ویتنام»

سیل اسلحه و مستشاران نظامی خود را به تایلند گسیل داشته است. اخیراً فرمانده نیروهای هوایی آمریکا ژنرال هیوز برای فروش هواپیماهای شکارچی-بمبافکن «فایگر» که گشتکو در این باره از مسامحتش آغاز شده بود به اندونزی سفر کرد. این نماینده وزارت دفاع آمریکا علاقه خاصی نسبت به فرودگاه‌های اندونزی نشان داد و سعی زیادی داشت تا پایگاه‌هایی برای نیروی هوایی آمریکا در این منطقه از آسیای جنوب خاوری بدست آورد.
ایشا همه نمونه‌های بارزی از تلاش‌های مداوم امپریالیسم جهانخواار آمریکا در سمت گسترش و تعدید سابقه تسلیحاتی، در جهت ایجاد تسخیر و رخاست در جهانست، تلاش‌هاییکه در صورت توفیق میتواند جهانرا بلب یرتگاه جنگ-خانمان برانداز هسته‌ای بکشد.
پس از جنگ جهانی اخیر و کشف اسلحه اتمی، این اولین بار نیست که امپریالیسم جهانخواار آمریکا همه تلاش‌های خود را بکار برده است تا جهانرا به لب یرتگاه جنگ نابودکننده هسته‌ای بکشد. اما هر بار نیز در مقابل عزم راسخ میلیونها مردم زحمتکش، صلح‌دوست و ترقی‌خواه جهان، نقشه‌های جنایت‌بار امپریالیسم آمریکا تقطیر آب شده است.
اکنون نسل معاصر در دورانی از تاریخ بشر زندگی میکند که تناسب قوا در سطح جهانی به نفع نیروهای صلح، سوسیالیسم، ترقی و رفاه همگانی تقطیر کرده‌است. هرگونه تلاش امپریالیسم آمریکا در جهت تعدید سابقه تسلیحاتی و برهم زدن توازن نیروها در جهان بیشتر از پیش به زیان آن خواهد بود. ولی در عین حال این سیاست سرنوست بشریت را نیز بخطر می‌اندازد. از ایترو نیز هر قتل‌سلیبی، هوادار جدی تنش‌زدائی و جلوگیری از سابقه تسلیحاتی است، زیرا سیاست تنش‌زدائی و قطع سابقه تسلیحاتی، یگانه سیاستی است که میتواند بشر را از خطر نیستی در یک جنگ هسته‌ای نجات بخشد.

توجه!

مقالات زیر، که در هفته گذشته در نامه «مردم» انتشار یافت، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود:
۱- انتظار مردم و نیروهای راستین
۲- طرح توطئه کارتر - برژنفسکی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران
۳- چگونه بیاد میشد (شماره ۳۰۶)



در پندار امام خمینی، کالاهای بلا استفاده مانده‌اند

در حالی که حدود ۷۰۰ کانتینر، متعلق به شرکت کشتیرانی اسرائیلی، در بند امام خمینی بلا استفاده مانده است متولین دولتی ۴۰۰ کانتینر از کشور آلمان غریب وارد کرده‌اند که روزانه برای هر کدام باید ۵ دلار گزایه پرداخت شود.
بر اساس اطلاع رسیده، در ترمینال فرسین ولقه واقع در بند امام خمینی، حدود ۷۰۰ کانتینر، که متعلق به شرکت کشتیرانی زیر اسرائیلی بوده بلا استفاده مانده است. صاحبان این کانتینرها، به علت کرایه زیادی که برای اقامت آنها در بند باید پرداخت کنند، امکان پذیر است، متولین دولتی ۲۰۰ کانتینر از کشور آلمان غریب کرایه کرده‌اند که روزانه برای هر کدام ۵ دلار کرایه باید پرداخت شود. با وجود نیازی که به کانتینرها است، جای تعجب است که مقامات جمهوری اسلامی چرا کانتینرهای موجود در بند امام خمینی را صادره نکرده‌اند.

تحریکات ضد ...

پتی از صفحه ۱
بهدر رود. مردم انقلابی سوادندند به تجربیات خودشان بر اعنا باشند و از روی داده‌ها پند نگیرند. انقلاب ما بیشتر از آن به امپریالیسم ضریات هورناک وارد کرده و منافع آن چنان عظیم‌را از انحصارات جهانخواار اسلحه فروش و نفت‌بر و کالافروش و ثروت‌بر بمخاطره جدی افکنده است، که بتوان بر روی دستاوردهای انقلاب به راحتی نخورد و از زیات توطئه‌های براندازی آسوده خیال ماند. ما باید حالا و سالباً گوش‌بزننگ باشیم، دائم مترصد باشیم که از چه راه، چگونه، چه وقت و به دست چه کسانی امپریالیسم توطئه دیگری را علیه انقلاب ما، از برون و درون، از راه سیاست یا اقتصاد، از طریق مداخله یا خرابکاری، بدست اشخاص شناخته شده یا عمال انقلابی‌نما، سازمان خواهد داد.

بهره‌گیری دشمن ما از تجربیات خویش است. در سلسله مقالات نامه «مردم»، پیرامون «کارزار ایدئولوژیک و تبلیغاتی امپریالیسم»، نشانده‌هایی از همین شیوه عمل ضد کمونیستی و ضد توده‌ای و ضد شوروی‌را، که همواره پیشکام توطئه‌ها و ماجراهای امپریالیسی بوده، خوانده‌اید. ولی همانطور که گفتیم، همین تجربه بسیار غنی یگسال و نیم بر از حوادث انقلابی که بر میهن ما گذشته، کافی است که ثابت کند تحریکات ضد توده‌ای و تبلیغاتی ضد شوروی، منجلا بی است که عمال امپریالیسم بعد و با توسل به هزار شکر در برابر او، انقلاب می‌آفرینند، تا با فروپاشی ما ناتوان شوند، از برون نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی جهان جدا بمانند، «جو سوء ظن و عدم اطمینان و پایان حمایت سیاسی، بر مود برژنفسکی، حاکم شود و آنوقت عناصر دیگر ضد انقلابی میدان هارودی رود درو بیایند و کار را یکسر کنند»

زدیگر تکریم شود، فعالیت‌های تبالود و کف‌بر لب آورده این عناصر شدیدتر میگردد.
به واقعیات بنگریم:
۱- پارسال تابستان بود. امپریالیسم آمریکا، با امید فراوانی که به وجود و حضور کارگزاران خود در دولت موقت داشت، زمانی که هنوز امیرانتظامی معاون نخست‌وزیر و سخنگوی دولت انقلاب، مقدم مرافعه‌ای‌ها نمایند مجلس خبرگان و استندار و تزیینها رئیس‌شرکت ملی نفت ایران، و ... بودند، هنگامیکه امیدوار بود از درون انقلاب را بیوساند و آنرا «برسر عقل» آورد و به «همکاری» مجدد، یعنی وابستگی اسارت‌نوار بکشد، توطئه بزرگ سازش با آمریکا، «حمل و فصل مسائل موجود و سوءتفاهم‌ها» و ملاقات با برژنفسکی تدارک میشد. زمینه‌چینی این توطئه بزرگ حدود دو ماه طول کشید. در این مدت، به ناگاه موج عظیم تبلیغاتی تحریکات ضد توده‌ای و ضد شوروی برای افتاد و حملات یگلی بی‌پایه‌ای از جانب عناصری، که برخیز از آنها بمدها شناخته و طرد و زندانی شدند و برخی دیگر بکناری نهاده شده‌اند، صورت گرفت. از انکار قانونیت حزب توده ایران شروع کرد فتنوکار راه‌تعلیل دفتر نامه «مردم» و بی‌پایه‌ها گنیه مرکزی حزب ما در پایان مرداد پارسال کشانند. اسلحه زنگ‌زده ولی هنوز متاسفانه کارای ضد توده‌ای و ضد شوروی بصدا درآمد، تبلیغات زمان شاه سابق تکرار شد و در دست پرده دود، ساخت و یاخت با آمریکا ملاقات با برژنفسکی تدارک دیدند. خوشبختانه درایت و قاطعیت امام، بیداری مردم و فداکاری دانشجویان مسلمان بیرو خط امام مجال نداد، گلولی شیطان بزرگ را گرفت و توطئه عقیم ماند.

همه زمینه‌های سیاسی و دیپلماتیک اقتصادی دوستانه‌ترین روشها از جانب اتحاد شوروی نسبت به ایران اتخاذ شده بود، و حملات شدید علیه حزب توده ایران، و این بار با وسعت فراوان در رادیو و تلویزیون و با مشارکت فعال مائوئیست‌ها سازمان داده‌شد. گوئی خطل از اینجاست! برای آنکه فعالیت کمیسیون سازمان ملل متحد برای حل مسئله «گروگانها» بیختم نیاید، حضور لشکر شوروی در ۳۰ کیلومتری مرز بلوچستان! علم شد. برای آنکه تدارکات عملی ضد انقلاب دیسده نشود، با حرکات مذبح‌جوانه و تلفظ‌های شبانه و جمل اخبار بصورت نقل و انتقال پانامایی شاه سابق خاک به چشم مردم پاشیده شد و فحاشی به حزب توده ایران توسط محافظ و افراد معین اوج گرفت.

را نخواهند دید، اما آن توطئه هم خوشبختانه نکرقت.
۴- اوائل تابستان شد. آمریکا دیگر بی‌چوجه نمیتواند تداوم موجودیت انقلاب ایران را تحمل کند. شکست تجاوز طیس، شروع مرحله تازمائی از توطئه بود. توطئه‌ای که قرار شد ۱۸ تیر، از پایگاه نوزده همدان آغاز شود و حتی اگر شده به قیمت کشتار میلیونها ایرانی، انقلاب را بکشد. از اوسسی تا بختیار، از مائوئیست‌ها تا لیرالیا، همه آماده شده بودند، و در تدارک این توطئه، باز موج تازه تحریکات ضد توده‌ای و تبلیغاتی ضد شوروی بلند شد. این بار دیگر مراکز حزبی و دفاتر نامه «مردم» هم تاراج میرفت، ره‌بانه‌های بکلی بوج، باز دیگر دروغها و رتمت‌ها بر سر حزب ما باریدن گرفت. تحریکات بر پایه ضد شوروی هم در محیط ایران، با همان ضد دیابان حمایت‌سیاسی، و مطابق با فرموده برژنفسکی، به جو غالب تبدیل شد. نیمه اول تیرماه رایباد آورد که تا سرحد حمله به سفارت شوروی و تهدید به اشغال آن کشانیده‌شد، و آنگاه روز ۱۸ تیر را نیز بیاد آورد و شبکه وسیع نظامی کشف شده و شبکه بزرگ سیاسی کشف شده آن را! این جز و آن زمینه سازی، مقدمه و پیش‌درآمدی بود برای انجام توطئه کودتائی!

شوم ضد انقلاب را عملی میکنند در سایر شهرها، رفقای هوادار حزب را مغرور و مجروح و گامزندان کرده‌اند. در این میان ناگهان «نامه تعدید - الملحن» وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران هم، بر اساس دروغ، افترا و توهین به حزب توده ایران و اتحاد شوروی، منتشر میشود. جو مورد تمایل کارتر - برژنفسکی اصلاً پنهان کردن نیست. این زمینه‌چینی برای چه صورت میگردد؟ کدام توطئه در شرف وقوع است؟ یا کدام مرحله از توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا درو هستیم، که این روزها بازم شاهد تعدید تحریکات ضد توده‌ای و تبلیغاتی ضد شوروی هستیم؟

اینها متوالانی است مربوط به سرنویت انقلاب ما و سرنوست جمهوری اسلامی ایران. بنظر ما شعله‌ور شدن مجدد این تحریکات و تبلیغات شبانه آن است که در آستانه توطئه تعدید آمریکائی قرار داریم، و تکوین این توطئه مورد تایید مقامات رسمی و مشول و صدیق جمهوری اسلامی ایران نیز قرار گرفته است. پس بیوش باشیم! تجربه نهضت استقلال‌طلبانه خود ایران در نیم قرن و ربع قرن اخیر، لاقلاً از همین تجربه یکساله و نیمه پس از پیروزی انقلاب پند بگیریم. تاریخ میآموزد، اگر ما بیاموزیم، تاریخ معاصر دیگر روشن‌تر و دقیقتر از این نمیتواند بیاموزد. آیا ما خواهیم آموخت؟

توضیح

فردی بنام علیرضا زاوی، در روزنامه «انقلاب اسلامی»، مورخ ۲۵ مردادماه، اعلام کرده است که صاحب عکس است که در خانه مردم مورخ اول مردادماه به چاپ رسیده است. وی همچنین افزوده است که آغانی نیست.

باز هم همان زمینه چینی برای مرحله دیگری از توطئه کنار آمدن با آمریکا یا رفتن زیر بار سلطه آمریکا. ۳- اواسط بهار امسال بود. آمریکا دیگر دست‌پايش خوانده شده و دسایران، با همه شیطان بودتش، نقش‌برآب شده بود. حالا مرحله بکلی تازه‌ای از براندازی تدارک میشد. پایگاه‌ها و فرودگاه‌های مصر و بحرین و پاکستان و عمان آماده میشدند. در خطای کامل، تجاوز نظامی آمریکا تدارک میشد. و جو مورد نظر آمریکا، البته «ایجاد سوغن و عدم اعتماد و پایان حمایت سیاسی» بود.
علیرغم وقوی اتحاد شوروی در شورای امنیت سازمان ملل متحد بر ضد تحریم اقتصادی آمریکا، که آشکارا پشتیبانی اتحاد شوروی را از انقلاب ایران نشان میداد، سیل دروغ و بهتان ضد شوروی بچریان افتاد. در صفحات جراید و رادیوها صحبت از حزب توده ایران بیان آمد، صحبتی که، مانند دو نیمه از يك سیب گندیده، به صحبت‌های ساراك و دستگاه تبلیغاتی شامسابق شباهت داشت.

آری، سرها را گرم میکردند، زمینه‌چینی میشد و ناگهان خبریاد کردن نیرو در کویر کنار طیس و گذشتن از رادارها رسید. دشمن کوشانست که وقتی آن هیستری کور دامن زده شود، رادارهای دشمن یاب البته هواپیماهای آمریکائی تجاوزگر

زنگ‌زده و بسیار کهنه‌شده و بی مایه ابایی ندارند، از خون سرخ صداهن‌سید توده‌ای و از جمع صداهند سال زندانی که توده‌ایا - در کنار و بهرهم سایر نیروهای انقلابی و منجمله بسیاری از روحانیون مبارز و مبارزان مسلمان، که هم‌اکنون برخی از آنها بار سنگین مسئولیت انقلاب را بدوش میکنند، حیانی- کنند آنها نامه محرمانه برژنفسکی و ماده مربوط به ایجاد زمینه را اجرا میکنند، و هر قدر حملات امپریالیسم آمریکا شدیدتر میشود، هر قدر زمان وقوع توطئه و اجرای مرحله‌ای از نقشه استراتژیک صوملی براندازی آمریکا علیه انقلاب ما

آنها که سالدترند، میدانند که در گذشته نیز همواره این عنصر پایدار و شیوه دائمی زمینه‌چینی توطئه‌های امپریالیستی بوده و متوسط سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا اینتلینجس سرویس و گنتابوهرتلی، توسط نظمی رضاخانی و ساواک محمد رضاخانی همواره مورد استفاده قرار گرفته است.
ایجاد این جو، یکی از نکات اساسی دستورالعمل برژنفسکی از جانب کارتر رئیس‌جمهور آمریکا به وزارت خارجه این کشور است. کملی نامه محرمانه‌ای که یگسال پیش منتشر شد، که خود تداوم همان سیاست و شیوه قبلی امپریالیسم و

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

عربیه مرداد

پیش ملی شدن نفت ایران

با دقت تمام انجام شد و فقط یک مواز

زیر بیان می کند:

که خیال دارم فراموشی بکنم. شاه آقایان علا و را فرستادند. من هم سه نفر از نمایندگان دولت به عنوان شاهد حضور داشته باشم. به شاهد شاه انبوی بکنم مردم را از جریانات کشور مستحضر که والا حضرت اشرف پهلوی وقتی اینجا بودند من کردند و علیاحضرت ملکه مادر چه موافق من همچنین قضایای بخیر را می گویم.

مرت همایی اظهار تمایل به مسافرت کردند. من هم قرار شد صبح روز پنجشنبه حرکت کنم. بعد شبانه حرکت می کنند. قرار صبح زود بود. بعد به

مسافرت دهه اردیبهشت آماده کردم. ۹ هزار دلار حواله هزار دلار نقد. این پول را به آقای علا دادم. دستور های مسافرت را بیاوردن پیش خودم. من با دست به پاسپورتها چسباندم و مهر کردم. به دربار

بودم که نیروهای انتظامی مشر ایشان را تقویت در منزل شاه با منزل من جمع شود. ۶۲

بر این بود هیچ کسی از جریان باخبر نشود. که به عنوان شاهد حضور داشته و از جریان بود که به کسی نگویند. ولی از پشت سر و دست خبر داشته باشند خبر داده شد و تعداد جبر شدند تا صبح شبانه در محل حاضر باشند. وقایع را به شرح زیر نوشت:

صبح... خبر مسافرت شاهنشاه و شایسته استعفا یافت رسید. بلافاصله خواسته بازار را تعطیل کنند تا کابین تعطیل شد. به منزل آیت الله بهبهانی رفتند و در برابر ورود و مانع حرکت شاهنشاه بشوند.

با عداوت بلند گریه می کردند. آیت الله را به روی جگر کردند... عده ای در بازار فریاد می زدند بچینی... در نزدیکی کاخ مرمرینان تظاهرات می کردند و مردم می گفتند: «غیرت کجاست! حقیقت ردمت رفت.» یکی از مظاهرین که لباس سیویلین انتظامی جلوش را گرفته سرودش هایش را

می شناسی. من افسرم. وطن از دست رفت. ۶۸
بود که مصدق در دربار به دام اندازند و

یکی از افسران توده ای به کمک مصدق توده ای گارد جاویدان که نمی توانست (از کند به طور غیرمستقیم مصدق را نجات داد. برامون این روز می نویسد:

توجه به کاخ سلطنتی، تعدادی از امرا و افسران بازنشسته شاهنشاهی، عزیز امیررجایی، خسروانی و... به دستور گرد آمدند. حدود ۶۰ نفر از اعضای حزب آریا بهر جمع شدند، ملکه اعتضادی به جمع آنها کاخ سلطنتی... خبر رسید که می خواهند هنگام

حل می گشت به آقای پیرزای رئیس تشریفات دربار می نشان می داد مرایجه کردم. خطر را متذکر شدم و مکر مصدق از کاخ اختصاصی به کاخ شهن پهلوی بود رفت از آنجا به منزلش برود پیشنهاد قبول شد. سر صادقی (رئیس متصرف شاه) دکتر مصدق را تا سر شایسته کردیم. ۶۹

راهی نجات داده شد او باش و افسران راهی منزل را شکستند، تا جایی که مصدق بن قاضی (زندگیاد همواره در مواقع سخت به خانه همسایه فرار کند و از آن جا خود را به آن تا دیروقت شب در خیابانها حاکم بودند.

باز به می نویسد:
سببه سرنیزه و تداق تنگ به مردم حمله می کردند و از پاره می نمودند... ظهر سرتاسر میدان بهارستان را بازار اشغال نمودند... افسران بازنشسته با لباس آن را تخریب می کردند. پس از حمله به منزل ی او باش... دستجات متظاهر که به منزل مصدق

ندماه ۱۳۳۱
شده ۱۳۳۱
سرگرد خیرخواه

حمله کرده بودند به خیابانهای شهر روی آورده و با چوب و چناب به مخازنهای سر راه حمله می کردند. اکثر خیابانهای یوسف آباد و اسلامی و لاله زار و شاه آباد بسته و مساجد آنجا در مقابل مخازنهای خود ناظر بر اوضاع بودند. هر جا به طرفداری از مصدق تظاهری می شد مأمورین انتظامی و افسران بازنشسته می گشتند بزینجا بکشید. نیروهای انتظامی، «آوارگان» «افسران بازنشسته» «باشگاه تاج» تظاهرات می کردند و از در دیوار مجلس بالا می رفتند. در خیابانها صلی افسران شیشه می شد که رادیو را بگیرد... مهم است. ۷۰

چند سال بعد عمیدی توری از مؤسین جبهه ملی که به دشمن پیوسته بود و معاون سیاسی سر لشکر زاهدی شد ضمن خاطرات خود نوشت:

«اگر در نهم اسفند مردم رادیو را تصرف می کردند کاره ۲۸ مرداد نمی رسید و همان روز موضوع خاتمه می یافت. ۷۱»
در این گفته حقیقتی نهفته است. نیروهای مسلح تا آن حد خارج از اختیار نخست وزیر بودند که حتی نمی خواستند جلو مهاجمین به منزل او را که قصد کشتن را داشتند بگیرند. مصدق مجبور شد دستور کتبی صادر کند و به عنوان وزیر دفاع ملی حکم کند که در مقابل مهاجمین ایستادگی شود. اگر رادیو تصرف می شد و از آنجا صدای شاه، زاهدی و امثال آنها بر می آمد به احتمال قریب به یقین حکومت مصدق سرنگون شده بود.

نتایج توطئه نهم اسفند

توطئه نهم اسفند هم از نظر تکنیک کودتا هم از نظر تناسب نیروهای اجتماعی - سیاسی قابل توجه بود.

از نظر تکنیک و فن کودتا، نهم اسفند تمرین عمومی ۲۸ مرداد است. در این توطئه همه عناصر و اجزای کودتای ۲۸ مرداد را می توان دید. در اینجا «خط» کرمیت روزولت «فرمانده عملیات» به خوبی خوانده می شود. او در نهم اسفند از همان اجزا و عناصری استفاده کرد که در ۲۸ مرداد. در نهم اسفند هم کار کودتا در آغاز به دست مشتی او باش سرده شد و نیروهای نظامی پشت سر آن حرکت می کردند. او باش تجهیز شده و متشکل، به اتکای نیروی نظامی شهر غافل گیر و غیر متشکل و هاج و واج را قرق کردند؛ محیط وحشت آفرینند و از گنجی و سردرگمی که بر اثر سیاست های با

روشن دولت و خیانت های دوستان نیمه راه جنش فراهم شده بود برای به دست گرفتن کنترل اوضاع استفاده کردند. مصدق نه فقط به کشور حتی به تهران هم مسلط نبود. هیچ سازمان متشکل حزبی و دولتی که در لحظه خطر به آن مراجعه کند نداشت. احزاب وابسته به جبهه ملی در حال فروپاشیدن بودند و نیرویی نداشتند از نظر سیاسی نیز قلع بوده پس از این همه سال همکاری با سیاست آمریکا وقتی لحظه مخالفت با آن فرا می رسید نمی دانستند چه باید کرد. مقامات دولتی هم که در لحظات حساس از کنترل دولت مصدق خارج بوده گوش به دربار و سفارت آمریکا داشتند. نیروی متشکل مدافع دولت می توانست حزب توده ایران و ستونیکاهای کارگری باشد که مصدق رابطه خوبی با آنها نداشت و برای اثبات این که جلو «خطر کمونیسم» را گرفته است از مرایجه به آنها امتناع می ورزید و ادامه فعالیت آنها را فقط در چارچوب مجزی می دانست. حزب توده ایران هنوز غیرقانونی بود. مسئولین مرکزی حزب در خاک اختفا زندگی می کردند و همیشه در خطر بازداشت بودند. روزنامه هایی که به جای بسوی آینده ناشر افکار حزب، منتشر می شدند یکی پس از دیگری از طرف حکومت نظامی توقیف می شدند و مأمورین فرمانداری نظامی و پلیس هر جا دستشان می رسید فضاین حزب را به زندان می افکندند.

از نظر تناسب نیروهای طبقاتی نیز نهم اسفند حکایت از بیدایش مرحله جدیدی می کرد و آن این که در این روز بازار تهران هم دیگر به طور درستی مدافع مصدق نبود. بازار مدنی بلا تکلیف ماند که حرف مصدق را به میزدید و با حرف کاشانی و بهبهانی را!
«باختر امروز» وضع بازار را در فردای نهم اسفند به شرح زیر توصیف می کند:

«بازار تهران وضع حششی داشت. مردم همه در یک حالت انتظار آمیخته با اضطراب به سر می بردند. مقارن ساعت ۱۰ قسمتی از بازار بسته شد. شایع شد که سران اصناف برای اتخاذ تصمیم ساعت سه بهمازظهر جلسه تشکیل خواهند داد و اعلامیه ای مبنی بر پشتیبانی از دولت مصدق خواهند داد.
چون اصناف و تجار تمیمی نگرته بودند دائماً تلفنی از باختر امروز جوای نظر مجلس و دولت بودند. می گفتند به ما خبر قطعی بدهید تا تکلیف خود را تهیه برای پشتیبانی از مصدق دست به مبارزه بزنیم. ۷۲»

یکی از ویژگی های مهم توطئه نهم اسفند که تناسب نیروهای سیاسی را بیان می کرد به میان آمدن علی پای برخی از رهبران مذهبی به سود شاه بود. چنان که می دانیم آیت الله کاشانی در سی ام تیر ۱۳۳۱ در صف مقابل قوام السلطنه قرار گرفت و نقش قاطعی در دفاع از مصدق ایفا کرد. در ماه های بعد نیز با وجود مخالفت با مصدق از شرکت در توطئه های ضد او خودداری می کرد. اما اینکه توطئه گران موفق شده بودند پای آیت الله کاشانی و به ویژه بهبهانی را علناً به میان بکشند و خود را به جناح مذهبی متکی نشان دهند. در روز نهم اسفند بهبهانی در جلو کاخ مرمر روی دست کودتاجویان سخنرانی می کرد و آیت الله کاشانی در این یک روز سه نامه و اعلامیه در ارتباط با توطئه منتشر کرد. دیو نامه و اعلامیه در دفاع آشکار از شاه و به قصد جلوگیری از سفرویی بود و مردم را به تظاهرات به سود شاه دعوت می کرد.

در یکی از نامه ها آیت الله کاشانی می نوشت:
«مردم! برادران دینی! هموطنان!

با تقییر از احساسات مین دوستی مردم از همه خواهانم که با نمایندگان مجلس و علما و روحانیون و سایر طبقات همکاری نموده و متفقاً در درخواست تجلی نظر در تصمیم اعلیحضرت... که منتهی به آشتی این کشور و باعث ندامت می شود بلا تفاق جلوه گیری نمایند.

۷۰. باختر امروز، ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱.
۷۱. روزنامه اطلاعات، ۲۲ مردادماه ۱۳۳۱، خاطرات عمیدی توری.
۷۲. باختر امروز، ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱.

سیدابوالقاسم کاشانی، ۷۳
تنها دیروقت روز نهم اسفند زمانی که دیگر مصدق از منزل فرار کرده و کودتا شکست خورده بود ولی او باش هم چنان منزل او را غارت می کردند آیت الله کاشانی حاضر شد نماینده ای پیش آنان بفرستد و دستور دهد که دست از ادامه غارت بردارند.
آیت الله کاشانی نوشته بود:

«برادران عزیز مسوع شد عده ای به در خانه جناب آقای دکتر مصدق حمله نموده اند. خواهشتم متفرق شوید و از تعرض خودداری نمایند. جناب آقای موسی را برای ابلاغ این مطلب را فرستادم.

سیدابوالقاسم کاشانی، ۷۴
ولی باید توجه داشت که جدایی آیت الله کاشانی از مصدق به معنای جدایی همه روحانیت از نهضت ملی ایران نبود. بسیاری از روحانیون مبارز تا پایان با نهضت ماندند. از جمله آقایان انگلی، میلاتی، زنجانی و دیگران که در مجلس بودند و تا آخر عهد خود را نشکستند.

یکی از مهم ترین نتایج توطئه نهم اسفند نزدیک کردن مجدد حزب توده ایران به مصدق بود. حزب توده ایران به رغم سردی مناسبات که پیش می آمد هر بار که وضع مصدق متزلزل می شد به دفاع از او بر می خاست. در نهم اسفند نیز زمانی که خبر توطئه در شهر پیچیده مبارزین توده ای در زیر ضربات «مأمورین انتظامی» به خیابانها آمدند و به سود مصدق و علیه دربار به تظاهر پرداختند.

«روزنامه کیهان» درباره تظاهرات توده ای ها و رفتار مأمورین انتظامی با آنان از جمله نوشته بود:

«عناصر افراطی چپ [!!!] در میدان توپخانه جمع شدند... جمعیت زیادی گرد آمد... مأمورین انتظامی دخالت کردند... هر کسی از آنها که به دست می آمد از طرف پاسبانها و جیمی که نزدیک ایشان بود [یعنی کودتاجویان] شدیداً مضروب شدند به طوری که خون از سر و روی آنان جاری گردید...»

عمال امپریالیسم و دربار واقعاً به توده ای ها رحم نمی کردند. دفاع آنها از مصدق با شدیدترین و خشن ترین حملات پاسخ داده می شد. با این حال توده ای ها در حالی که خون از سر و رویشان می ریخت از مصدق دفاع می کردند.

نهم اسفند نقطه عطف قطعی شد در مناسبات حزب توده ایران و مصدق.

از آن پس حزب توده ایران با وجود روش بی نهایت ناجوانمردانه سازمانهای هوادار جبهه ملی، قاطع تر از همیشه در کنار مصدق قرار گرفت. نهم اسفند امکانات وسیعی را که برای پیروزی کودتا در شهرستانها وجود دارد نشان داد. در واقع در آن روز همه شهرستانها عملاً در دست کودتاجویان بود و اگر صدای رادیوی تهران درمی آمد که مصدق سرنگون شد، کار شهرستانها تمام بود. شهرستانها تازه دوروز بعد به حرکت درآمدند.

مصدق طی دو سال حکومت خود توانسته بود پایه های قدرت دربار و ملاکین را در شهرستانها متزلزل کند و برای ابراز اراده توده مردم روزی بگشاید.

آخرین نکته ای که درباره نهم اسفند باید گفت این است که این توطئه به رابطه دربار و مصدق، و آمریکا و مصدق به شدت لطمه زد. مصدق از آن پس در برابر شاه آشکارتر از گذشته ایستاد، و در مورد آمریکا، با آنکه هنوز امیدهایی داشت در برابر کسانی نظیر هنرمین - سفیر وقت آمریکا - جبهه گرفت. خود هنرمین به برخی از نزدیکانش گفته بود:

«ممکن است در هر لحظه دولت ایران از آمریکا تقاضای احضار او را بکند. ۷۵
این مطلب را سالها بعد آیدن نیز در خاطراتش از قول آیزنهاور بیان داشت و نوشت:

«رئیس جمهور گفت که بر سر مداخلات هنرمین بر سر هواداری از شاه مریضت او نزد مصدق بسیار ضعیف شده است و امکان قطعی دارد که گدزنامه اش را به دستش بدهند و روانه اش کنند. ۷۶»

متأسفانه این اتفاق نیفتاد. مصدق جرأت نکرد که این چنین قاطع عمل کند. سفیر توطئه گر آمریکا و همه عمال جاسوسی آن کشور در ایران ماندند و سرانجام حکومت ملی او را سرنگون کردند.

از نهم اسفند سال ۱۳۳۱ تا ۲۵ مرداد ۱۳۳۲

شکست توطئه نهم اسفند به هیچ وجه به معنای پیروزی نهایی نهضت ملی ایران نبود بلکه آغاز مرحله قطعی نبرد رو یاروی نهضت ملی ایران با امپریالیسم و عمال آن بود. در نهم اسفند برده های ملاحظه و تعارف در پنه جای برای آشتی نماند. به دستور مصدق عده زیادی از امرای توطئه گر ارتش و سران او باش توقیف شدند. با سخنرانی افشاگرانه مصدق مسأله دربار و دخالت های ناروایش به سود امپریالیسم انگلیس در میان توده مردم مطرح گشت. با آن که مصدق اسم آمریکا را نمی برد نفرت نسبت به امپریالیسم آمریکا اوج می گرفت. ۲۹ فروردین ماه ۱۳۳۲ در شیراز مردم به اداره اصل چهار ترومن هجوم برده آن را در هم گویند. در تظاهرات ضد آمریکایی که رفته رفته اوج می گرفت حوادث شیراز نقطه عطفی بود و نشان می داد که چهره کریمه آمریکایی جنایت کار برای بخشی از هواداران مصدق نیز شناخته می شود و مبارزه ضد آمریکایی که حزب توده ایران چندسال متوالی به تنهایی آن را پیش می برد به سایر نیروهای ملی نیز سرایت می کند.
مصدق در همان شبی که توطئه شکست از مجلس خواست که تکلیف کار را بیکسره کند:

- ۷۳. روزنامه کیهان، ۱۹ اسفندماه ۱۳۳۱.
- ۷۴. روزنامه کیهان، ۹ اسفندماه ۱۳۳۱. - بعدها که فهرست حمله کنندگان به منزل مصدق منتشر شد اسامی افراد زیرین در آن فهرست دیده می شد:
- ۷۵. نهمی ویکه نقل از خواندن آنها، ۱۹ اسفندماه ۱۳۳۱.
- ۷۶. خاطرات آیدن، چاپ با دشته، صفحه ۲۹۹.
- ۷۷. باختر امروز، ۱۳ اسفندماه ۱۳۳۱.
- ۷۸. با ننگ مردم به جای بسوی پهنه، دوشنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۳۳۱.
- ۷۹. روزنامه کیهان، ۲۵ فروردین ماه ۱۳۳۱.
- ۸۰. از مذاکرات مجلس، همان جا.

یا او حکومت می کند یا شاه.
این مسأله اگر در آن لحظه بحرانی که توطئه شکسته و مردم به شدت علیه دربار خشمگین بودند حل می شد، تردیدی نبود که کار به زیان دربار خاتمه می یافت.

متولیان مجلس پادریانی کرده پیشنهاد کردند که کمیسیونی به اختلاف شاه و مصدق رسیدگی کند. این کمیسیون از ۸ نفر تشکیل شد که امثال بقای و مکی نیز عضو آن بودند و برای این که فعلاً مصدق را راضی کرده حل مسأله را به تعویق اندازند پختی از خواست های مصدق را علی الحساب پذیرفتند. در این کمیسیون اصول مورد اختلاف قانون اساسی که به علت دوپهلوی بودن هم به سود سلطنت مطلقه و هم به سود مشروطه تمیز پذیر بود - و در حکومت پهلوی همواره به سود سلطنت مطلقه تمیز شده بود - بررسی شد و طرحی متضمن تغییر این اصول به سود مشروطه تهیه شد که اگر به تصویب مجلس می رسید و در عمل اجرا می شد شمار مصدق که شاه باید سلطنت کند و نه حکومت اجرا می گردید.

اما دربار و امپریالیست های حامی آن صد آن نداشتند که بر چنین چیزی تن در دهند. سلطه امپریالیسم در ایران تنها به دست حکومت دیکتاتوری وابسته مقصور می شد. عمال امپریالیسم و ارتجاع در مجلس از تصویب طرح جلوگیری کردند. حتی عده ای از کسانی که طرح را خود تدوین و امضا کرده بودند حاضر نشدند که از تصویب بگذرد.

مبارزه ضد درباری که در روزهای پس از نهم اسفند به کوچه و خیابان کشیده شده بود، پس از تلویین این طرح و وعده تصویب آن از طرف اطرافیان مصدق به مجلس کشانیده شد. خود مصدق و سازمان های وابسته به جبهه ملی اعلامیه دادند که مردم دست از تظاهرات بردارند. حزب توده ایران که بازی های درباریان را باور نمی کرد از طرف هواداران مصدق مورد شدیدترین هجوم ها قرار می گرفت. تظاهرات ضد شاه از طرف «ملیون» سرکوب می شد. «باختر امروز» در شماره ۱۳ اسفندماه ادعا می کرد:

«مبارزه ضد درباری عناصر افراطی مورد حمایت مردم نیست. زیرا هدف آن ها مخالفت با نهضت است که به هیچ وجه با مبانی مشروطه مغایرت ندارد.

انتظار این که مردم این عناصر را در مبارزه ضد سلطنتی تقویت کند مادام که هدف مبارزه ماسط کردن رژیم مشروطه باشد بی مورد است. ۷۷»

بر اساس مذاکرات پشت پرده و در برابر وعده حل مسأله، مصدق عده زیادی از سران توطئه و از جمله سرلشکر زاهدی را از توقیف آزاد کرد و امکان داد که محافل توطئه گر اقامت فرصت کرده و با کشاندن بحث و جدل به جلسات مجلس و با دست زدن به انواع بازی های پارلمانی وقت بگذرانند. اقلیت هوادار دربار در مجلس از شرکت در جلسات خودداری می کرد و هر بار که جلسه علنی تشکیل می شد با یک تحریک کار را به زد و خورد کشانده مجلس را تعطیل می کرد.

تکلیف طرح کمیسیون هشت نفری یعنی تکلیف مناسبات دربار و دولت ملحق مانده بود.

لازم بود امر مبارزه از صحنه مجلس بیرون کشیده شود و با کمک مردم برای عقب راندن دربار اقلیمی به عمل آید. در این باره حزب توده ایران پیشقدم شد و طی اعلامیه ای که از سوی «جمعیت ملی مبارزه با استعمار» منتشر شده بود از همه احزاب و سازمانها خواست که در یک اجتماع بزرگ شرکت کنند. عین دعوت نامه را از نظر اهمیتی که در روشن کردن مناسبات سیاسی آن روز دارد در زیر می آوریم:

دعوت عام

از تمام مردم ضد استعمار تهران
جمعیت ملی مبارزه با استعمار از کلیه احزاب، دسته ها، سازمانها و مردم ضد استعمار تهران از کارگران، دهقانان، روشنفکران، پیشه وران، کسبه و سرمایه داران ملی دعوت می نماید که روز سه شنبه ۲۵ فروردین ماه ساعت ۱۱ صبح در میدان بهارستان برای تحقق شمارهای زیر اجتماع کنند:

- ۱. خاتمه دادن به مداخلات شاه و دربار در امر کشوری و لشگری و از بین بردن امکان این مداخلات برای همیشه.
- ۲. خاتمه دادن به مداخلات استقلال شکنانه امپریالیست های انگلیسی و آمریکایی و اخراج جاسوسان و برچیدن مؤسسات جاسوسی آنها در سراسر کشور.
- ۳. صلح و میجارت مزدوران انگلیسی و آمریکایی که هر روز توطئه جدیدی علیه حاکمیت ملی ما ترتیب می دهند.
- ۴. تأمین امکان فعالیت ضد استعماری برای مردم ضد استعمار ایران.

جمعیت ملی مبارزه با استعمار ۷۸

در این دعوت نامه چنان که می بینید هیچ چیز خلاف مصالح ملی و یا کلمه ای تند و خوستی بلتئورواژانه وجود ندارد. این خواست ها حداقل آن چیزی است که در آن زمان انقلاب ایران بدان احتیاج داشت. به علاوه دعوت مردم به تظاهرات خیابانی نیز در آن زمان واقعاً ضروری بود. اما هم دشمنان آشکار نهضت ملی ایران و هم متأسفانه محافل هوادار مصدق با شدت علیه این دعوت برخاستند.

آیت الله کاشانی طی نامه ای از مصدق خواست:
«لایم است دستور فرمایید از تظاهرات و تعرض به آقایان نمایندگان محترم جلوگیری شود تا مشورتی متوجه هیات دولت نباشد. ۷۹»
شش قنات آبادی در مجلس به شدت به حزب توده ایران و مصدق تاخت:

«این دولت توده ای ملی مصدق مورد حمایت توده ای هاست... آقا این ها می خواهند دین و فضیلت [!!!] را از میان ببرند. این ها تبه و کلاه و مقدمات ملی ما قش می دهند... سازشی شده است برای از بین بردن هستی و استقلال وطن... ۸۰»

- بقیه در صفحه بعد
- ۷۷. باختر امروز، ۱۳ اسفندماه ۱۳۳۱.
- ۷۸. با ننگ مردم به جای بسوی پهنه، دوشنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۳۳۱.
- ۷۹. روزنامه کیهان، ۲۵ فروردین ماه ۱۳۳۱.
- ۸۰. از مذاکرات مجلس، همان جا.

تجربیه امرداد

تاریخ جنبش ملی شدن نفت ایران

پیرنیزد این نوشته با دقت تمام انجام شد و فقط یک مور از
شست
یافته را به شرح زیر بیان می کند:

شاه بیام دادم که خیال دارم رفتنم بکس. شاه آقاییان علا و
سنت النبویه بالاتر از فرستادن من هم سه نفر از نمایندگان دولت
را تعیین کردیم که به عنوان شاهد حضور داشته باشند. به شاهد شاه
نیمه تعیین دارم رفتنم بکس و مردم را از جریانات کشور محض
باید به مردم بگویم که والا حضرت اشرف پهلوی وقتی این جا بودند
کارهایی در حق من کردند و علیحضرت ملکه مادر چه موانعی
کارهای من تراشیدند. همچنین قضایای بیشتری را می گویم.

بعداً اشرف حضرت همایی اظهار تمایل به مسافرت کردند. من
مرد شاه شرفیاب شدم. قرار شد صبح روز پنجشنبه حرکت کنند. بعد
مرد دادند که روز شنبه حرکت می کنند. قرار صبح زود بود. بعد به
ت ۱۰ میل شد.
برای انجام مسافرت ده هزار دلار آماده کردم: ۹ هزار دلار سوخته
ک های خارجی و هزار دلار نقد. این پول را به آقای علا دادم. دستور
آورد که پاسپورت های مسافرت را بیاورند پیش خودم. من با دست
بدم عکس ها را به پاسپورت ها چسباندیم و مهر کردم. به دربار
سازدم.

دستور داده بودم که نیروهای انتظامی متبصر ایشان را تقویت
ند و نگارند کسی در منزل شاه یا منزل من جمع شود. ۶۷
تا تأکید خود شاه بر این بود هیچ کسی از جریان باخبر نشود.
ه از نمایندگانی که به عنوان شاهد حضور داشته و از جریان
شرف گرفته بود که به کسی نگویند. ولی از پشت سر و
ی که نمی بایست خبر داشته باشند خبر داده شد و تعداد
و چاقو کشان اجیر شدند تا صبح شب در محل حاضر باشند.
کجهان جریان وقایع را به شرح زیر نوشت:

مقارن ساعت ۱۱ صبح... سفر مسافرت شاهنشاه و شایسته استغای
شان به رؤسای اصناف رسید. بلافاصله خواستند بازار را تعطیل کنند تا
بیک ظهر کلیه دکا کین تعطیل شد. به منزل آیت الله بهبهانی رفتند و
ایشان خواست به دربار بروند و مانع حرکت شاهنشاه بشوند.
... عده ای باحتیاجی بلند گریه می کردند. آیت الله را به روی
ست از اطراف خارج کردند... عده ای در بازار فریاد می زدند بجهت
لنگ از دست رفت... در نزدیکی کاخ مرمر زنان تظاهرات می کردند
خطاب به سربازان و مردم می گفتند: «غیرت کجاست! حیثیت
ماست؟ مملکت از دست رفت.» یکی از متظاهران که لباس سیویل
تت وقتی مأمورین انتظامی جلوی او را گرفتند سرشوی هایش را
ون آورد و گفت:

هموطن مرا نمی شناسی. من افسرم. وطن از دست رفت. ۶۸
کودتاجان این بود که مصدق را در دربار به دام اندازند و
از میان ببرند.
لحظه حساس یکی از افسران توده ای به کمک مصدق
خبرخواه افسر توده ای گلد جاو پتان که نمی توانست (از
د) خود را معرفی کند به طور غیرمنتظره مصدق را نجات داد.
ه در خاطراتش پیرامون این روز می نویسد:

پس از ورود مصدق به کاخ سلطنتی، تعدادی از امرا و افسران بازنشسته
قبیل امیراحمدی، شاه بهشتی، عزیز امیررحیمی، خسروانی و... به
برج در خیابان پاستور گرد آمدند. حدود ۶۰ نفر از اعضای حزب آریا
تر به سرپرستی شهر جمع شدند، ملکه اقتصادی به جمع آنها
وست... در نزدیکی کاخ بسته شدند... خبر رسید که می خواهند هنگام
بروج به مصدق حمله کنند.
به دنبال راه حل می گفتم به آقای پیرنیزد رئیس تشریفات دربار
که به مصدق احترامی نشان می داد مرا همراهی کرد. خطر را متذکر شدم و
شهادت کردم که دکتر مصدق از کاخ اختصاصی به کاخ شمس پهلوی
که در شمال آن واقع بود از آنجا به منزلش برود. پیشنهاد قبول شد.
برینا و من و امیر امیر صادقی (رئیس مأمورین مخصوص شاه) دکتر مصدق را تا
رب اصلی کاخ شمس متابعت کردیم. ۶۹
مصدق از چنین راهی نجات داده شد او باش و افسران
رلس ریختند. در آهنگی منزل را شکستند تا جایی که مصدق
همراه دکتر حسین قاضی (زندگیاد همواره در مواقع سخت
بود) با تردیدان به خانه همسایه فرار کند و از آن جا خود را به
تد اما کودتاجان تا دیروقت شب در خیابان ها حاکم بودند.
امروز در این باره می نویسد:
وزان انتظامی به وسیله سرباز و تعداد تنگ به مردم حمله می کردند و
کس های مصدق را پاره می نمودند... ظهر سرتاسر میدان بهارستان را
روی ارتش و سربازان اشغال نمودند... افسران بازنشسته با لباس
شبی آمدند و سربازان را تحریک می کردند... پس از حمله به منزل
لندق و تظاهر عده ای او باش... دستجات متظاهر که به منزل مصدق

حمله کرده بودند به خیابان های شهر روی آورده و با چوب و چساق به
منازعه های سر راه حمله می کردند. اکثر خیابان های یوسف آباد و
اسلامبول و لاله زار و شاه آباد بسته و صاحبان آنها در مقابل مواضع های
خود ناظر بر اوضاع بودند. هر جا به طرفداری از مصدق تظاهری می شد
مأمورین انتظامی و افسران بازنشسته می گفتند بزیبا! بکنید.
نیروهای انتظامی، «آوارگان» «افسران بازنشسته» «باشگاه
تاج» تظاهرات می کردند و از در و دیوار مجلس بالا می رفتند.
در خیابان ها صدای افسران شنیده می شد که رادیو را
بگیرید... مهم است. ۷۰

چند سال بعد عمیدی نوری از مؤسسين جبهه ملی که به دشمن پیوسته
بود و معاون سیاسی سر لشکر زاهدی شد ضمن خاطرات خود نوشت:
«اگر در نهم اسفند مردم رادیو را تصرف می کردند کار به ۲۸ مرداد
نمی رسید و همان روز موضوع خاتمه می یافت. ۷۱»
در این گفته حقیقتی نهفته است. نیروهای مسلح تا آن حد خارج از
اختیار نخست وزیر بودند که حتی نمی خواستند جلو مهاجمین به منزل او را
که قصد کشتش را داشتند بگیرند. مصدق مجبور شد دستور کتبی صادر کند
و به عنوان وزیر دفاع ملی حکم کند که در مقابل مهاجمین ایستادگی شود.
اگر رادیو تصرف می شد و از آنجا صدای شاه، زاهدی و امثال آنها بر می آمد
به احتمال قریب به یقین حکومت مصدق سرنگون شده بود.

نتایج توطئه نهم اسفند

توطئه نهم اسفند هم از نظر تکنیک کودتا و هم از نظر تناسب نیروهای
اجتماعی- سیاسی قابل توجه بود.

از نظر تکنیک و فن کودتا، نهم اسفند تمرین عمومی ۲۸ مرداد
است. در این توطئه همه عناصر و اجزای کودتای ۲۸ مرداد را می توان دید. در
اینجا «خط» «کمیته روز ولت» «فرمانده عملیات» به خوبی خوانده می شود.
او در نهم اسفند از همان اجزا و عناصری استفاده کرد که در ۲۸ مرداد. در نهم
اسفند هم کار کودتا در آغاز به دست مثنی او باش سپرده شد و نیروهای
نظامی پشت سر آن حرکت می کردند. او باش تجهیز شده و متشکل، به
اتکالی نیروی نظامی شهر غافل گیر و غیر متشکل و حاج و واج را فرق کردند؛
محیط وحشت آفرینند و از گنجی و سردرگمی که بر اثر سیاست های با
روشن دولت و خیانت های دوستان نیمه راه جنبش فراهم شده بود برای
به دست گرفتن کنترل اوضاع استفاده کردند. مصدق نه فقط به کشور، حتی به
تهران هم مسلط نبود. هیچ سازمان متشکل حزبی و دولتی که در لحظه خطر
به آن مراجعه کند نداشت. احزاب وابسته به جبهه ملی در حال فروپاشیدن
بودند و نیرویی نداشتند از نظر سیاسی نیز قلع بوده پس از این همه سال
همکاری با سیاست آمریکا وقتی لحظه مخالفت با آن فرا می رسید نمی
دانستند چه باید کرد. مقامات دولتی هم که در لحظات حساس از کنترل
دولت مصدق خارج بوده گوش به دربار و سفارت آمریکا داشتند. نیروی
متشکل مدافع دولت می توانست حزب توده ایران و سندیکاهای کارگری
باشند که مصدق رابطه خوبی با آنها نداشت و برای اثبات این که جلو
«خطر کمونیسم» را گرفته است از مراجعه به آنها امتناع می ورزید و ادامه
فالیات آنها را فقط در چارچوب معینی مجاز می دانست. حزب توده ایران
هنوز غیرقانونی بود. مسئولین مرکزی حزب در حال اختفا بودند و می کردند و
همیشه در خطر بازداشت بودند. روزنامه هایی که به جای بسوی آینده ناشر
افکار حزب، منتشر می شدند یکی پس از دیگری از طرف حکومت نظامی
توقیف می شدند و مأمورین فرمانداری نظامی و پلیس هر جا دستشان می رسید
فناین حزب را به زندان می افکندند.

از نظر تناسب نیروهای طبقاتی نیز نهم اسفند حکایت از پیدایش
مرحله جدیدی می کرد و آن این که در این روز بازار تهران هم دیگر به طور
در دست مدافع مصدق نبود. بازار مدنی بلا تکلیف ماند که حرف مصدق را
به پندیرد و با حرف کاشانی و بهبهانی را!

«باختر امروز» وضع بازار را در فرادای نهم اسفند به شرح زیر
توصیف می کند:

«بازار تهران وضع متشنجی داشت. مردم همه در یک حالت انتظار
آمیخته با اضطراب به سر می بردند. مقارن ساعت ۱۰ قسمتی از بازار
بسته شد. شایع شد که سران اصناف برای اتخاذ تصمیم ساعت سه
بمناظر جلسه ای تشکیل خواهند داد و اعلامیه ای مبنی بر پشتیبانی از
دولت مصدق خواهند داد.
چون اصناف و تجار تصمیمی نگرفته بودند دائماً تلفنی از باختر
امروز جویای نظر مجلس و دولت بودند. می گفتند به ما خبر قطعی
بدهید تا تکلیف خود را همیشه برای پشتیبانی از مصدق دست به مبارزه
برزیم. ۷۲»

یکی از ویژگی های مهم توطئه نهم اسفند که تناسب نیروهای
سیاسی را بیان می کرد به میان آمدن علی یای برخی از رهبران مذهبی به
سود شاه بود. چنان که می دانیم آیت الله کاشانی در می ام تیر ۱۳۳۱ در
صف مقابل قوام السلطه قرار گرفت و نقش قاطعی در دفاع از مصدق ایفا
کرد. در ماه های بعد نیز با وجود مخالفت با مصدق از شرکت در توطئه های
شد او خودداری می کرد. اما اینکه توطئه گران موفق شده بودند پای آیت الله
کاشانی و به ویژه بهبهانی را علناً به میان بکشند و خود را به جناح مذهبی
متکی نشان دهند. در روز نهم اسفند بهبهانی در جلو کاخ مرمر روی دست
کودتاجان سخرانی می کرد و آیت الله کاشانی در این یک روز سه نامه و
اعلامیه در ارتباط با توطئه منتشر کرد. جو نامه و اعلامیه در دفاع آشکار از شاه
و به قصد جلوگیری از فروری بود و مردم را به تظاهرات به سود شاه دعوت
می کرد.

در یکی از نامه ها آیت الله کاشانی می نوشت:

- ۷۳. روزنامه «کجهان» ۱۹ اسفندماه ۱۳۳۱.
- ۷۴. روزنامه «کجهان» ۹ اسفندماه ۱۳۳۱. ... بعدها که فهرست
حمله کنندگان به منزل مصدق منتشر شد اسامی افراد
زیرین در آن فهرست دیده می شد:
- ۷۵. شمبان جعفری (بی بی مخ)، طبیب حاج آقا بی، احمدشقی
محسن معرو، سرهنگ شندی، سرگرد خسروانی و... ۷۶.
- ۷۶. باختر امروز، ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱.
- ۷۷. باختر امروز، ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱.
- ۷۸. باختر امروز، ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱.
- ۷۹. باختر امروز، ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱.
- ۸۰. باختر امروز، ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱.

سید ابوالقاسم کاشانی ۷۳

تتها دیروقت روز نهم اسفند، زمانی که دیگر مصدق از منزل فرار
کرده و کودتا شکست خورده بود ولی او باش هم چنان منزل او را غارت
می کردند آیت الله کاشانی حاضر شد نماینده ای پیش آنان بفرستد و دستور
دهد که دست از ادامه غارت بردارند.
آیت الله کاشانی نوشته بود:

«برادران عزیز مسموع شد عده ای به در خانه جناب آقای دکتر مصدق
حمله نمودند. خواهششتم متفرق شوید و از تعرض خودداری نمایید.
جناب آقای موسوی را برای ابلاغ این مطلب را فرستادم.

سید ابوالقاسم کاشانی ۷۴

ولی باید توجه داشت که جدایی آیت الله کاشانی از مصدق به معنای
جدایی همه روحانیت از نهضت ملی ایران نبود. بسیاری از روحانیون مبارز تا
پایان با نهضت ماندند. از جمله آقایان انگلیسی، میلانی، زنجانی و دیگران که
در مجلس بودند و تا آخر عهد خود را نشکستند.

یکی از مهم ترین نتایج توطئه نهم اسفند نزدیک کردن مجدد حزب
توده ایران به مصدق بود. حزب توده ایران به رغم سردی مناسبات که پیش
می آمد هر بار که وضع مصدق متزلزل می شد به دفاع از او بر می خاست. در
نهم اسفند نیز زمانی که خبر توطئه در شهر پیچیده مبارزین توده ای در زیر
ضربات «مأمورین انتظامی» به خیابان ها آمدند و به سود مصدق و علیه دربار
به تظاهرات برخاستند.

«روزنامه کجهان» درباره تظاهرات توده ای ها و رفتار مأمورین
انتظامی با آنان از جمله نوشته بود:

«عناصر افراطی سپ [!!!] در میدان توپخانه جمع شدند... جمعیت
زیادی گرد آمد... مأمورین انتظامی دخالت کردند... هر کس از آنها
که به دست می آمد از طرف پاسان ها و جیمی که نزدیک ایشان بود
[یعنی کودتاجان] شدیداً مضروب شدند به طوری که خون از سر و
روی آنان جاری گردید...»

عمال امپریالیسم و دربار واقعاً به توده ای ها رحم نمی کردند. دفاع آنها از
مصدق با شدیدترین و خشن ترین حملات پاسخ داده می شد. با این حال
توده ای ها در حالی که خون از سر و رویشان می ریخت از مصدق دفاع
می کردند.

نهم اسفند نقطه عطف قطعی شد در مناسبات حزب توده ایران و مصدق.

از آن پس حزب توده ایران با وجود روش بی نهایت ناسیونالیستانه
سازمان های هوادار جبهه ملی، قاطع تر از همیشه در کار مصدق قرار گرفت.
نهم اسفند امکانات وسیعی را که برای پیروزی کودتا در شهرستان ها
وجود دارد نشان داد. در واقع در آن روز همه شهرستان ها عملاً در دست
کودتاجان بود و اگر صدای رادیوی تهران درمی آمد که مصدق سرنگون شد،
کار شهرستان ها تمام بود. شهرستان ها تازه دوروز بعد به حرکت درآمدند.
مصدق طی دو سال بحکومت خود توانست بدهی های قدرت دربار و
ملاکین را در شهرستان ها متزلزل کند و برای ابراز اراده توده مردم روزنی
بگشاید.

آخرین نکته ای که درباره نهم اسفند باید گفت این است که این
توطئه به رابطه دربار و مصدق، و آمریکا و مصدق به شدت لطمه زد. مصدق از
آن پس در برابر شاه آشکارتر از گذشته ایستاد، و در مورد آمریکا، با آنکه هنوز
امیدهایی داشت در برابر کسانی نظیر هندرسن- سفیر وقت آمریکا- جبهه
گرفت. خود هندرسن به برخی از نزدیکانش گفته بود:

«مسکن است در هر لحظه دولت ایران از آمریکا تقاضای اسخار او را
بکند. ۷۵»
این مطلب را سال ها بعد آیدن نیز در خاطراتش از قول آیزنهاور بیان
داشت و نوشت:

«رئیس جمهور گفت که بر سر مناسبات هندرسن بر سر هواداری از شاه
مقیمت او نزد مصدق بسیار ضعیف شده است و امکان قطعی دارد که
گنزانه اش را به دستش بدهند و روانه اش کنند. ۷۶»

متأسفانه این اتفاق نیفتاد. مصدق جرأت نکرد که این چنین قاطع
عمل کند. سفیر توطئه گر آمریکا و همه عمال جاسوسی آن کشور در ایران
ماندند و سرانجام حکومت ملی او را سرنگون کردند.

از نهم اسفند سال ۱۳۳۱ تا ۲۵ مرداد ۱۳۳۲

شکست توطئه نهم اسفند به هیچ وجه به معنای پیروزی نهایی نهضت
ملی ایران نبود بلکه آغاز مرحله قطعی نبرد رویاروی نهضت ملی ایران با
امپریالیسم و عمال آن بود. در نهم اسفند پرده های ملاحظه و تعارف دریده
شد. جایی برای آشتی نماند. به دستور مصدق عده زیادی از امرای توطئه گر
ارتش و سران او باش توقیف شدند. با سخنرانی افشاگرانه مصدق مسأله دربار
و دخالت های نارواییش به سود امپریالیسم انگلیس در میان توده مردم مطرح
گشت. با آن که مصدق اسم آمریکا را نمی برد نفرت نسبت به امپریالیسم
آمریکا اوج می گرفت. ۲۹ فروردین ماه ۱۳۳۲ در شیراز مردم به اداره اصل
چهار ترومن هجوم برده آن را درهم کوبیدند. در تظاهرات ضد آمریکایی که
رفته رفته اوج می گرفت حوادث شیراز نقطه عطفی بود و نشان می داد که چهره
کریمه آمریکایی جنایت کار برای بخشی از هواداران مصدق نیز شناخته
می شود و مبارزه ضد آمریکایی. که حزب توده ایران چندسال متوالی به تنهایی
آن را پیش می برد به سایر نیروهای ملی نیز سرایت می کند.
مصدق در همان شبی که توطئه شکست از مجلس خواست که
تکلیف کار را بیکره کند

- ۷۳. روزنامه «کجهان» ۱۹ اسفندماه ۱۳۳۱.
- ۷۴. روزنامه «کجهان» ۹ اسفندماه ۱۳۳۱. ... بعدها که فهرست
حمله کنندگان به منزل مصدق منتشر شد اسامی افراد
زیرین در آن فهرست دیده می شد:
- ۷۵. شمبان جعفری (بی بی مخ)، طبیب حاج آقا بی، احمدشقی
محسن معرو، سرهنگ شندی، سرگرد خسروانی و... ۷۶.
- ۷۶. باختر امروز، ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱.
- ۷۷. باختر امروز، ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱.
- ۷۸. باختر امروز، ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱.
- ۷۹. باختر امروز، ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱.
- ۸۰. باختر امروز، ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱.

یا او حکومت می کند یا شاه.

این مسأله اگر در آن لحظه بحرانی که توطئه شکست و مردم به شدت
علیه دربار خشمگین بودند حل می شد، تردیدی نبود که کار به زیان دربار
خاتمه می یافت.

متولیان مجلس پادریانی کرده پیشنهاد کردند که کمیسیونی به
اختلاف شاه و مصدق رسیدگی کند. این کمیسیون از ۸ نفر تشکیل شد که
امثال بقایی و مکی نیز عضو آن بودند و برای این که فعلاً مصدق را راضی
کرده حل مسأله را به تقویت انگیزند بخشی از خواست های مصدق را
علی الحساب پذیرفتند. در این کمیسیون اصول مورد اختلاف قانون اساسی که
به علت دو پهلوی بودن هم به سود سلطنت مطلقه و هم به سود مشروطه تفسیر پذیر
بود- و در حکومت پهلوی همواره به سود سلطنت مطلقه تفسیر شده بود-
بررسی شد و طرحی متضمن تغییر این اصول به سود مشروطه تهیه شد که اگر
به تصویب مجلس می رسید و در عمل اجرا می شد شمار مصدق که شاه باید
سلطنت کند و نه حکومت اجرا می گردید.

اما دربار و امپریالیست های حامی آن قصد آن نداشتند که برجستین
چیزی تن در دهند. سلطه امپریالیسم در ایران تنها به دست حکومت
دیکتاتوری وابسته مقنن می شد. صال امپریالیسم و ارتجاع در مجلس از
تصویب طرح جلوگیری کردند. حتی عده ای از کسانی که طرح را خود
تندوبن و امضا کرده بودند حاضر نشدند که از تصویب بگذرد.
مبارزه ضد درباری که در روزهای پس از نهم اسفند به گوشه و
خیابان کشیده شد، پس از تندوبن این طرح و وعده تصویب آن از طرف
اطرافیان مصدق به مجلس کشانیده شد. خود مصدق و سازمان های وابسته به
جبهه ملی اعلامیه دادند که مردم دست از تظاهرات بردارند. حزب توده ایران
که بازی های درباریان را باور نمی کرد از طرف هواداران مصدق مورد
شدیدترین هجوم ها قرار می گرفت. تظاهرات ضد شاه از طرف «ملین»
سرکوب می شد. «باختر امروز» در شماره ۱۳ اسفندماه ادعا می کرد:

«مبارزات ضد درباری عناصر افراطی مورد حمایت مردم نیست. زیرا
هدف آنها مخالفت با نهضتی است که به هیچ وجه با مبانی مشروطه
مطابقت ندارد.
انتظار این که مردم این عناصر را در مبارزه ضد سلطنتی ترویج
کنند مادام که هدف مبارزه ساقط کردن رژیم مشروطه باشد
بی مورد است. ۷۷»

بر اساس مذاکرات پشت پرده و در برابر وعده حل مسأله، مصدق عده
زیادی از سران توطئه و از جمله سرلشکر زاهدی را از توقیف آزاد کرد و امکان
داد که محافل توطئه گر اتمام فرصت کرده و با کشاندن بحث و جدل به
جلسات مجلس و با دست زدن به انواع بازی های پارلمانی وقت بگذرانند.
اقتب هوادار دربار در مجلس از شرکت در جلسات خودداری می کرد و هر بار
که جلسه علنی تشکیل می شد با یک تحریک کار را به زد و خورد کشانده
مجلس را تعطیل می کرد.
تکلیف طرح کمیسیون هشت نفری یعنی تکلیف مناسبات دربار و
دولت ملحق مانده بود.
لازم بود امپریالیسم از صحنه مجلس بیرون کشیده شود و با کمک
مردم برای عقب راندن دربار اقامتی به عمل آید. در این باره حزب توده
ایران پیشقدم شد و طی اعلامیه ای که از سوی «جمعیت ملی مبارزه با
استعمار» منتشر شده بود از همه احزاب و سازمان ها خواست که در یک
اجتماع بزرگ شرکت کنند. عین دعوت نامه را از نظر اهمیتی که در روشن
کردن مناسبات سیاسی آن روز دارد در زیر می آوریم.

- ### دعوت عام
- #### از تمام مردم ضد استعمار تهران
- جمعیت ملی مبارزه با استعمار از کلیه احزاب، دسته ها، سازمان ها و مردم
ضد استعمار تهران از کارگران، دهقانان، روشنفکران، پیشه وران، کسبه و
سرمایه داران ملی دعوت می نماید که روز شنبه ۲۵ فروردین ماه ساعت ۱۱
صبح در میدان بهارستان برای تحقق شعارهای زیر اجتماع کنند:
۱. خاتمه دادن به مداخلات شاه و دربار در امور کشوری و لشگری و از
بین بردن امکان این مداخلات برای همیشه.
 ۲. خاتمه دادن به مداخلات استقلال شکنانه امپریالیست های انگلیسی
و آمریکایی و انزاع جاسوسی و سرچیند متوسلات جاسوسی آنها
در سراسر کشی.
 ۳. محاکمه و مجازات مزدوران انگلیسی و آمریکایی که هر روز توطئه
چندی علیه حاکمیت ملی ما ترتیب می دهند.
 ۴. تأمین امکان فعالیت خدمتساز برای مردم ضد استعمار ایران.

جمعیت ملی مبارزه با استعمار ۲۸

در این دعوت نامه چنان که می بینید هیچ چیز خلاف مصالح ملی و یا
کلمه ای تند و خواستی بلند پروازانه وجود ندارد. این خواست ها حداقل آن
چیزی است که در آن زمان انقلاب ایران بدان احتیاج داشت. به علاوه دعوت
مردم به تظاهرات خیابانی نیز در آن زمان واقعاً ضروری بود. اما هم دشمنان
آشکار نهضت ملی ایران و هم متأسفانه محافل هوادار مصدق با شدت علیه این
دعوت برخاستند.

- آیت الله کاشانی طی نامه ای از مصدق خواست:
- «لازم است دستور فرمایید از تظاهرات و تعرض به آقایان نمایندگان
مترم جلوگیری شود تا مسوولیتی متوجه هیأت دولت نباشد» ۷۹
- شمس قنات آبادی در مجلسی به شدت به حزب توده ایران و مصدق
تاخت:
- «این دولت توده ای ملی مصدق مورد حمایت توده ای هاست... آقا این ها
می خواهند دین و قضیلت [!!!] را از میان ببرند. این ها تپه و کلا و
مقدسات ملی ما فحش می دهند... سازشی شده است برای از بین بردن
هستی و استقلال وطن. ۸۰»
- بقیه. در صفحه ۸۰ بعد
- ۷۷. باختر امروز، ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱.
 - ۷۸. باختر امروز، ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱.
 - ۷۹. باختر امروز، ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱.
 - ۸۰. باختر امروز، ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱.

تحریرات امردا

نظری به تاریخ جنبش ملی شدن

فد. م. جوانشیر

جداً بودن صفوف هواداران حزب توده ایران که د آباد (جمهوری اسلامی) و سندی بودند و سازمان های میدان بهارستان جمع آمده، زمینه ای برای ارزیابی نیرو می شد با چشم دید که نیروهای طرفدار حزب توده ایران به این ارزیابی بخصوص درسی ام تیرپرست ترشد یاد شهدای می ام تیر سال پیش تظاهراتی صورت گرفت نیروی سوسی ها (که اینک استاد ارتباط آنان با دربار حفظ «استقلال» جنبش ملی و با تهدید به خونریزی از مشترک جلوگیری کردند. اجباراً تظاهرات جداگانه ای حزب ایران، نیروی سوم و پان ایرانیست ها، عصر جمعه استعمار (حزب توده ایران)، تظاهرات عصر با جمعیت پرشورتر و باشکوه تر برگزار شد. رفیقان نیمه راه جنبش قدرت خلق می ترسند و از این ترس هر لحظه آماده امپریالیسم اندک از تظاهرات می ام تیر به پشت افتادند صحتی نایب نخست وزیر و وزیر کشور مصدق - کسی نیز از وحشت گسترش جنبش خلق یا شاه ملاقات کرد و خود را برای نخست وزیری اعلام داشت - درباره وحشی روز برداشتن نشسته بود، به تازگی در یک مصاحبه مطبوعاتی آن روزها به یاد آورده است.

«به نظر من غیرمایل حرکت ۲۸ مرداد [هنوز هم نه کودتای خاتمه!!!] درسی تر ۳۳ آمده شده و کلیه طبقات، طرفدار دکتر مصدق بودند و از جانب ولی شلیل ملکی و عده ای دیگر امیرار که توده در یک تظاهرات جداگانه شرکت کند و ملیون و در نتیجه یک نیم روز پس از آن با نظم و تشکیلاتی فراوان و یک نیم روز عناصر ملی با خد به تظاهر زدند.

این تقسیم قوا نشانه ای به وجود آورد که در ارزیابی قدرت دکتر مصدق به تضییع نشود، زیرا تظاهرات توده ای در آن روز ظاهر نفوذ ملی بود.

به این ترتیب دولت انگلیس توانست آمریکا را برای آغاز یک حرکت ضد ملی دواع به نظر من پیام آینهوار که با آن شدت مورد تهدید قرار داده بود متاثر از برداشت رئیس چه نمایانست می ام تیر در میدان بهارستان بود.»

البته بر کسی پوشیده نیست که امپریالیسم آمریکا تیر و قدرت توده ای ها به اندیشه کودتا نیفتاد. از ماه های می کشید امپریالیسم آمریکا جشن ملی شدن نفت و مصدق را به بحرم سیاست مستقل و ملی اش سرنگون کرد آینهوار همان وقت این مطلب را با صراحتی گفت:

«صانع خام آسیا، از جمله منابع هندوچین، تا برای حفظ امنیت دنیای آزاد کمال ضرورت را ایران از این لحاظ با سایر کشورهای آ دارای همان وضعیت می باشد. اگر چه امروز منابع مایع خام کشورهای هندوچین با از دست رفتن است سرزمین پر ثروت اندوژی و مواد خام هنگفت دنیای آزاد کمال اهمیت را دارد نگاه داری نمایانند از سخنان آینهوار سخنگوی گنجان انحصارات، روشن است که کلمات «کمونیسم»، «دموکراسی»، «این ها روپوشی است برای پنهان کردن سیاست جنایت هفت غارت منابع ثروت کشورهای دیگر و اسیر کردن روزولت «فرمانده عملیات» کودتا، در روز پیش از می چشم گیر بودن فعالیت توده ای ها نبود، بلکه جدا کردن توده و اصرار و تأکید بروی قدرت توده ای ها و ترساندن مرز نقشه «آژاکس» (نام رمز کودتای ضد مصدق) بود که دروغین ملی گرای و «راه سوم» عملی می شد.

کریمت روزولت تصریح می کند که پایه طرح نکه استوار بود که توده ای ها را جدا کنند و مردم را از قدرت روزولت می نویسد:

«در پایان، ملاقاتی هم در بیروت با کوبه و هرم مطبوع بود... می گفت قدرت به واقع دست خز ها. باید ارتش این دست را ببند.»

- ۹۱- روزنامه «دنیای» ۲۵ شهریور ماه ۱۳۵۸، ص ۱۸۵
- ۹۲- روزنامه «اطلاعات» ۱۵ مرداد ۱۳۳۲
- ۹۳- کرمیت روزولت، «اثرها شده» صفحه ۳۳

و ارتجاعی که خود متحد و متشکل شده بودند، از این نقطه ضعف مصدق و هوادارانش حداکثر استفاده را می کردند و با تهدید و شانتاژ مانع از اتحاد نیروهای خلق می شدند. آنان هر روز مصدق و هوادارانش را «متمم» می کردند که خواستار تغییر رژیم و خواستار اتحاد با توده ای ها هستند. و هواداران مصدق نیز به جای این که به واقعیت زندگی تن در داده و با سربلندی و افتخار صف خود را روشن کنند و صریحاً اعلام نمایند که برای دفاع از منافع ملی ایران راهی جز تغییر رژیم و اتحاد همه نیروهای خلق - از جمله حزب توده ایران - وجود ندارد، تسلیم شانتاژ می شدند و با هزار دلیل و برهان می کوشیدند ثابت کنند که به مقام منبع سلطنت و «حافظ استقلال میهن»، به «سوگند وفاداری که به قانون اساسی و شاه» خورده اند و به تعهداتی که برای مقابله با «خطر کمونیسم» دارند، همچنان وفادارند.

یاد آوری حادثه ای که در دهم بهشت ماه ۱۳۳۲ ساخته شد و انمکاس این حادثه در جویسی آن روز می تواند به درک محیط آن روز کمک کند. در روزهای داغ اردیبهشت ماه، زمانی که قتل افشار طوس و توطئه های پشت سر آن تمام افکار را به خود جلب می کرد «روزنامه کیهان» خبری درج کرد حاکی از این که باز پرس شعبه ۱۲ دادرسی تهران قرار منع تعقیب سران حزب توده ایران را صادر کرده است.

اولاً اصل این خبر مربوط به ماه ها پیش از آن بود و مسلماً روی حساب سیاسی معینی در چنان روزهایی به صفحه اول روزنامه ها آمد. ثانیاً، تصمیم باز پرس کاملاً جنبه قضایی داشت یعنی باز پرس گفته بود که قانونی برای غیر قانونی کردن حزب توده ایران تصویب نشده است. قانون ۱۳۱۰ هم نمی تواند شامل این حزب باشد که ده سال پس از تصویب این قانون تشکیل شده و به رسمیت شناخته شده، و وزیر داشته است. به هر صورت این رأی باز پرس دادسرا هم مانند سایر آرای قضایی می بایست در مراجع قضایی مراحل خود را طی کند.

اما انتشار این خبر یک باره محیط سیاسی کشور را بر هم زد. قتل افشار طوس به صف دوم رفت. مناسبات خارجی ایران دچار تزلزل شد. مطبوعات آمریکا و انگلیس و وابستگان ایرانی آن ها چنان شگفتی به پا کردند که آن سرش ناپیدا بود. مقامات رسمی دولت مصدق و سازمان های مدنی هواداری از مصدق هم به جای این که از دستگاه قضایی کشور دفاع کنند به دست و پا افتادند: سفیر ایران در آمریکا مصاحبه کرد و از «سوء تفاهم» تقریباً معذرت خواست، سخنگوی دولت در این باره توضیح رسمی داد و گفت:

«برای آن قضای هر چه باشد در سیاست صریح دولت که تا کنون مورد اجرا بوده به هیچ وجه تأثیری ندارد.»

(به عبارت دیگر دولت اعتباری برای قوه قضایی قابل نیست و به حزب توده ایران علی رغم قانون هم شده اجازه فعالیت نخواهد داد). بحث به مجلس و هیأت وزیران کشید، دولت بر خلاف نص صریح قانون اساسی دو قاضی دادگستری را که آن رأی را داده بودند از کار برکنار کرد. روشنفکران حقوق بشری هم که از صبح تا شب از فقدان آزادی در جامعه کمونیستی داستان می یافتند، صاف و ساده با اخراج قضات موافقت کردند و از «دوستان» آمریکایی معذرت خواستند که تصادفاً چنین اتفاقی در ایران رخ داده است...

این وضع امپریالیسم را جری می کرد و به ستون پنجم امپریالیسم امکان می داد که اقدامات خرابکارانه خود را زیر نام هواداران مصدق پنهان کند چرا که در این گونه مسایل قانونی در شمارهای آنان نبود. «زننه باد شاهنشاه»، «مرده باد حزب توده ایران» را هم عوامل امپریالیسم می گفتند و هم گروه قابل ملاحظه ای از مدعیان هواداری از مصدق؛ به ملاقات شاه و زاهدی هم عمال امپریالیسم می رفتند و هم کسانی چون خلیل ملکی. با همه این احوال صف ها خواه ناخواه جدا می شد. واقعیت قوی تر از آن است که ساخته های ذهنی مدت طولانی جلو پیشرفت آن را بگیرد. حکومت مصدق روز به روز برای آمریکا و عمالش تحمل ناپذیرتر می شد تا جایی که در خردادماه، هتدسرس سفیر کودتا ساز آمریکا ایران را به علامت قهر ترک گفت و در عرض مقامات سیاسی شوروی اعلام کردند که سفیر تازه ای به ایران خواهند فرستاد که بهتر بتواند متزیات دوستانه آن دولت را نسبت به ایران اجرا کند. روزنامه های تهران از علاقه اتحاد شوروی برای کمک به ایران «پیشنهاد های شوروی برای بهبود وضع اقتصادی ایران»، «امضای پروتکل جدید بازرگانی ایران و شوروی»، «حل مسایل مالی و اراضی بین دو دولت»، «مطالب زیادی می نوشند». خبر می رسید که اتحاد شوروی برای شکستن سد فروش نفت ملی ایران پیشنهاد خرید بنزین هواپیما به ایران داده است، که مسأله حمل آن را نیز می توان فوراً حل کرد زیرا این بنزین توسط هواپیما و یا راه آهن و کامیون نیز قابل حمل است. در خرداد ماه دادگاه توکیو نیز به سود ایران رأی داد و از نظر قضایی راه برای فروش نفت ملی ایران در ژاپن باز شد.

در جبهه داخلی مصدق موقت شد که چندین ضربه جدید به محافل درباری و ضد ملی وارد کند: املاک پهلوی، که بخشی از درآمد آن صرف هزینه خرابکاری می شد، از شاه پس گرفته شد، بودجه دولتی که متعادل و امیوار کننده بود به تصویب رسید. این فکر که مجلس اگر به کار شکنی خود ادامه دهد ممکن است تحمیل گردد به روزنامه ها راه یافت.

در ۲۹ خرداد ماه و سی ام تیر ۱۳۳۲ دو تظاهر وسیع ملی به وقوع پیوست که در تصمیم محافل مترزلی پیرامون مصدق اثر گذاشت. تظاهرات ۲۹ خرداد ماه به مناسبت خلق بد از شرکت سابق بود. توده وسیع مردم زحمتکش که زیر شعارهای جمعیت ملی مبارزه با استعمار (حزب توده ایران) حرکت می کردند، در خیابان شاه آباد جمع شدند.

«عده ای از پان ایرانیست ها و اعضای حزب نیروی سوم جلوات ها را گرفتند. خطر رز و خورد به وجود آمد. مأمورین انتظامی مراقب بودند.»

در این روز مبارزین توده ای برای جلوگیری از تصادم، قطع نامه خود را در خیابان شاه آباد (جمهوری اسلامی) خوانده و از همان جا پراکنده شدند. تردیدی نبود خرابکارانی که مانع از به هم پیوستن همه نیروی خلق می شدند با محافل امپریالیستی در ارتباطند. نمی بایست به آنان امکان خرابکاری داد.

- ۸۶- روزنامه «کیهان» ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۲
- ۸۷- روزنامه «کیهان» ۱۶ خرداد ۱۳۳۲
- ۸۸- روزنامه «کیهان» ۲۵ خرداد ۱۳۳۲
- ۸۹- همان جا
- ۹۰- روزنامه «کیهان» ۳۱ خرداد ۱۳۳۲

جبهه داخلی نهضت ملی را در برابر بیگانگان [!!] حفظ کم زیرا اعلیحضرت همایونی به خصوص در آن اواخر نسبت به نهضت ملی خیلی خوشبین بوده و آقای دکتر مصدق و نهضت را تأیید می فرمودند [!!].

از این اعتراف روشن خیلی چیزها می توان دریافت. اما تصد ما فقط یادآوری این نکته است که در آن زمان واقفاً لحظه تصمیم بود. دوره بیشتر وجود نداشت: اتحاد با حزب توده ایران، سرنگونی شاه، طرد امپریالیسم و نجات کشور و یا اتحاد با عمال ارتجاع و امپریالیسم و جلب نظر!! آمریکا، سرنگونی مصدق و اسیر کردن کشور.

این مطلب در همه جا مورد بحث بود. تا جایی که در هیأت اجرائیه حزب «نیروی سوم» دیگر نمی شد ادای خط وسط در آورد. می بایست: شاه یا مردم را انتخاب کرد. امثال خلیل ملکی (آخرین کسانی که از وابستگان به جبهه ملی بودند که از آستانه دربار گذشتند و با شاه علیه مردم پیمان بستند. سیر حوادث به طوری امان نیروهای سیاسی را به اتخاذ تصمیم قاطع و یکطرفه شدن وادار می کرد. امپریالیسم آمریکا تصمیم خود را گرفته و جایی برای چانه زدن باقی نگذاشته بود. سیاست «مصدق را آسوده نگذاریم» با شدت تمام و با وحشی گری باور نکردنی اجرا می شد.

شب اول اردیبهشت ماه سربش افشار طوس رئیس شهربانی کل کشور برده شد. شش روز بعد جنازه او، که به طرز فجیعی به قتل رسیده بود، در کوه های اطراف تروین کشف شد. نخستین تحقیقات نشان داد که در این جنایت هم همان کسانی شرکت دارند که در جنایت ۲۳ تیرماه ۱۳۳۰، توطئه می ام تیر ۱۳۳۱، کودتای شهریور و مهر ۱۳۳۱، جنایت ۱۴ آذر ۱۳۳۱، شورش ابوالقاسم بختیاری در زمستان ۱۳۳۱ و بهار ۱۳۳۲ و توطئه ۹ اسفند ۱۳۳۱.

از میان همه جنایت کاران، اسامی مظفر بقایی، سرلشگر زاهدی و پسرش اردشیر زاهدی اعلام شد. درباره اردشیر زاهدی با اصل چهار تروین نیز کم ترین تردیدی وجود نداشت. اردشیر زاهدی معاون اداره اصل چهار تروین و رابط «سیا» با گروهی از کودتا چیان بود.

سرلشگر زاهدی با حمایت و کلابی خیانت کار مجلس، در آنجا متحصن شد و مورد پلیماری بسیار گرم رئیس مجلس محمد ذوالفقاری (از شرکت کنندگان فعال توطئه تیرماه قوام السلطنه) و رئیس مجلس کاشانی قرار گرفت. عکس ملاقات های آنان در روزنامه ها چاپ شد تا تردیدی در وجود پیوند میان آن ها و حمایت آشکار دربار از جنایت کاران باقی نماند.

محافل امپریالیستی آمریکا می کوشیدند تا چهره خشن خود را هر چه صریح تر نشان دهند. در سفری که دالس اواخر اردیبهشت و اوایل خرداد به کشورهای خاور میانه کرد عمداً از سفر به ایران خودداری نمود. روزنامه های آمریکایی ابتدا اعلام کردند که چون اوضاع ایران بسیار متشنج است و:

«بیم خطر جانی برای دالس می رود، او طبق توصیه مقامات امنیتی آمریکا از مسافرت به ایران خودداری خواهد کرد.»

اما بعد گفتند که دالس از «روش دولت ایران»، از «گسترش فعالیت کمونیست ها»، از «مضروب ساختن آمریکاییان در ایران» و نظایر آن ناراضی است. در واقع دالس می خواست به سیاست بازمان تهران بفهماند که فقط با جانشین مصدق سخن خواهد گفت.

به جای این که دالس به ایران بیاید هتدسرس سفیر آمریکا در تهران و وارن رئیس اداره اصل چهار تروین در ایران به دیدار او رفتند و چند روزی در کراچی و آنکارا مشورت کردند. هتدسرس پس از بازگشت به ایران به دیدار شاه رفت (نهم خرداد ماه ۱۳۳۲) و یک ساعت و نیم با او به گفت و گو نشست و پس از چندی ایران را ترک گفت. به طوری که بعدها روشن شد در این فاصله جاسوسان آمریکایی و انگلیسی مقدمات کودتا را با حرارت و دقت تمام فراهم می کردند. علاوه بر صدها مأمور رسمی آمریکایی که در ارتش و ژاندارمری و اصل چهار و سفارت آمریکا مشغول فعالیت بودند تری چند مأمور ویژه «سیا» به ایران آمدند و نظارت بر اجرای کودتا را به عهده گرفتند.

تفویض تشکیل شده بود. طیف بسیار وسیعی از مترجم ترین نیروهای جامعه تا عناصر میانه ای که تا دیروز ژست «مستقل» و «مترقی» می گرفتند به وجود آمده بود. تناقض هایی که توطئه تیرماه سال قبل را به شکست کشانید دیگر وجود نداشت. لیبرالمانع کودتا - سرلشگر زاهدی - انتخاب شده و همه با او بیعت کرده بودند. این فکر که باید از ملی شدن نفت دست کشید و منابع نفتی را به آمریکا و انگلیس واگذار کرد از طرف بیش از ۸۰٪ کسانی که دو سال پیش خود را قهرمان ملی شدن نفت معرفی می کردند (ولی همان وقت هوادار قرارداد دنیاستانه بودند) رسماً پذیرفته شده بود. بزرگ ترین ملاکین و بزرگ ترین سرمایه داران و نمایندگان آن ها از میان رهبران سیاسی و روحانی به دور قطب دربار - زاهدی (در واقع سفارت آمریکا و اداره اصل چهار) گرد آمده بودند. مکانیسم کودتا هم که بارها به کار افتاده و تکمیل شده بود در دسترس قرار داشت: علاوه بر واحدهای ارتش، ژاندارمری و شهربانی که عملاً در دست افسران مرتجع سلطنت طلب و مستشاران آمریکایی بودند، سازمان های گوناگونی چون باشگاه افسران بازنشسته، اتحادیه کشاورزان، باشگاه ورزشی تاج و چندین زورخانه، گروه هایی چون «آریا» و «آوارگان» و غیره... عده قابل ملاحظه ای از اوایش و روسیایان را دور خود گرد می آوردند. این مکانیسم طی دو سال: از ۲۳ تیر ۱۳۳۰ تا ۹ اسفند ۱۳۳۱ چندین باره به کار افتاده و کار آمد بودن آن آزمایش شده بود. سر دسته هایی که در چندین «عملیات» شرکت کرده و کار آزموده بودند آزادانه در شهر می گشتند و ارتباطات میان آنان دقیقاً برقرار بود.

اما جبهه متحد خلق وجود نداشت. مصدق و اطرافیان اسیر تعهداتی بودند که خود برای خویش به وجود آورده بودند: وفاداری نسبت به سلطنت، اتحاد با آمریکا و امتناع مطلق از همکاری با حزب توده ایران. محافل امپریالیستی

- ۸۲- دفاع خلیل ملکی در دادگاه، روزنامه «کیهان» ۱۹ اسفند ماه ۱۳۳۲ (خلیل ملکی در جای دیگری از سخنان خود ادعا می کند که «دو نفر هم که موافق نشدند رژیم بود و شما جمهوری می دادند و موافق توده ای بودند توده نیروی سوم» آن ها گویا مخفیانه از طرف حزب توده ایران - ما محوریت با فتنه در صفوف نیروی سوم رخ کرده بودند! و گروه نیروی سومی که تصفیه رژیم نمی خواهد - ملکی توطئه چید! دکه خودسر لشکر مزینی رئیس شهربانی سندی محرمات نه رخنه توده ایها در نیروی سوم را به او نشان داد و گفته بودند که ما نه است ولی چون «مصلحت شما و مصلحت کشور در اقلب مواز دیگری است» به شما نشان می دهم).
- ۸۵- مجله «تیم» نقل از روزنامه «کیهان» ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۲

بقیه از صفحه قبل

در برابر این فشار مصدق عقب نشست. تظاهرات خیابانی را که به سود خود او بود قذف کرد. تانک ها و زره پوش های شاه و عده ای سرباز با تجهیزات کامل در نقاط مختلف شهر گماشته شدند، فراسوی نهضت ملی اعلامیه داد و مردم را از شرکت در میتینگ منع کرد. روزنامه های طرفدار دولت اعلام کردند که «ملیون» در تظاهرات شرکت ندارند.

با وجود همه این ها تظاهرات مردم انجام گرفت. متنا برای جلوگیری از درگیری و ایجاد تشنج به برگزاری میتینگ های موضعی و پخش اعلامیه اکتفا کردند.

دو روز بعد آن گروه از سازمان های وابسته به جبهه ملی که پیشنهاد تظاهرات را از طرف حزب توده ایران رد کرده بودند خودشان همان پیشنهاد را مطرح نموده اعلام تظاهرات خیابانی به پشتیبانی از دولت مصدق دادند. با این تفاوت که به جای کمک به وحدت در جهت تفرقه کوشیدند. حزب توده ایران با وجود تمام این احوال، برای تکمیل وحدت جنبش اعلام کرد که حاضر است در تظاهرات شرکت کند و از همه اعضا و هواداران خود دعوت کرد که به تظاهرات بیوبندند. بنابراین اگر وحدت صفوف جنبش حفظ می شد این تظاهرات می توانست به یک ابراز رأی وسیع توده مردم بدل شود و شاه را به عقب براند. اما سازمان های مزبور تصریح کردند که از حضور «عناصر چپ» جلوگیری خواهند کرد. به جای این که کارگران را دعوت به تظاهر کنند، به جلو کارخانه ها نیروی «انتظامی» فرستادند تا کارگران بیرون نیایند.

هرجا هم که هواداران حزب توده ایران می کوشیدند در تظاهرات شرکت کنند با هجوم مدعیان هواداری از مصدق روبه روی شدند.

«روزنامه کیهان» روش این سازمان ها را به شرح زیر نوشته است:

«رهبری تظاهرات امروز با حزب ایران و پان ایرانیست ها بود... عناصر چپ به طرف میدان بهارستان حرکت کردند... در این موقع جمعیتی با چوب به طرف آن ها حمله کردند. نزدیک بود زدن خورد شود. اما توده ای ها جان خالی کردند.

حزب ایرانی ها و پان ایرانیست ها امروز چوب های مخصوص به دست داشتند که نوک آن ها آهنی بود.

علاوه بر این درخت های خیابان شاه آباد و میدان بهارستان را شکسته شامه ای آن را به دست گرفته آماده بودند اگر توده ای ها به جمعیت آن ها نزدیک شوند مورد حمله قرار دهند.»

به این ترتیب درست در زمانی که وحدت صفوف جنبش پیش از هروقت دیگری لاتم بود کسانی با چوب نوک آهنی و ظاهراً زیر شمار هواداری از مصدق به جنگ کارگران و زحمتکشان می رفتند و خطر اصلی را «خطر کمونیسم» می دانستند. همین ها بودند که در لحظه حساس به اردوی دشمن پیوستند (چه قدر با اوضاع امروز شباهت دارد؟).

در این موقع جنبش انقلابی ایران در لحظه قاطع تصمیم قرار گرفته بود. می بایست همه نیروهای جنبش و به ویژه نیروهای مصدقی و توده ای متحد شوند، دست دربار و عوامل امپریالیسم را قطع کرده به خرابکاری جاسوسان آمریکایی و انگلیسی پایان دهند و با دشمنان نهضت پیروز می شدند. راه میانه ای وجود نداشت.

ضرورت اتخاذ تصمیم قاطع در صف سازمان های مدعی هواداری از مصدق تزلزل شدیدتری ایجاد کرد. بخش بزرگی از این سازمان ها - چنان که در صفحات پیش گفتیم - از مدت ها پیش آشکارا به صف ارتجاع و امپریالیسم پیوسته بودند و آن بخش کوچکی هم که هنوز باقی بودند نمی توانستند و نمی خواستند به پرش روشنی که تاریخ در برابرشان گذاشته بود پاسخ صریح و روشن بدهند.

با دربار و امپریالیسم اند یا با مردم؟

در این زمان بود که رهبری حزب «نیروی سوم» هم سرانجام سنگ «سوم» بودن را از پایش گشود و در خطا با شاه و محافل آمریکایی تماس گرفت.

اعتراف های خلیل ملکی از آنجا که وضع سیاسی آن روزها را به خوبی روشن می کند و نشان می دهد که میان انقلاب و ضد انقلاب راه سومی نیست، بسیار جالب است. ما در زیر عین این اعتراف ها را می آوریم:

«در هفته های قبل از ۲۵ مرداد مؤثر از اعضای هیأت اجرائیه حزب نیروی سوم مبارزه ما را در حدود قانون اساسی و تا حدی که دربار را در حدود گزارش هیأت ا نفی ممنوع کند غیرکافی دانسته و می گفتند که دولت ملی باید شاه و دربار را از میان بردارد. البته بنا به ادهای آنان دولت مجبور خواهد شد این کار را بکند و تغییر رژیم دهد.

برای هیأت اجرائیه این حرف قابل قبول نبود. آن دونفر می گفتند بی شک کار به این جا خواهد کشید و حزب ابتکار این کار را در دست خواهد گرفت و خوب است خود ما زودتر از حزب توده شروع کنیم و ابتکار را ما در دست بگیریم. ولی هیأت اجرائیه طبق رسم همیشگی خود معتقد بود که ابتکار خرابکارانه را ما نباید از دست حزب توده بگیریم [!!] چون نمی توان باور کرد که دولت نهضت ملی در ضد تغییر رژیم باشد نباید ابتکار خرابکاری را بگیریم.»

«در ماه های تیر مرداد ۱۳۳۲ در تحلیل اوضاع و احوال سیاسی در هیأت اجرائیه اختلاف نظری وجود داشت... عنصر منحصر به فرد خیانت کار هیأت اجرائیه عقیده داشت که دکتر مصدق بالاخره مجبور است تغییر رژیم بدهد و شاه را محاکمه و مجازات نماید. اکثریت هیأت اجرائیه معتقد بودند که با جلب نظر آمریکا از لحاظ سیاست خارجی باید به مشکلات غلبه شود. و احتیاجی به تغییر رژیم پیدا نشود.»

- ۸۱- روزنامه «کیهان» ۲۷ شهریور ماه ۱۳۳۲
- ۸۲- دفاع خلیل ملکی در دادگاه، روزنامه «کیهان» ۱۷ اسفند ۱۳۳۲
- ۸۳- دفاع خلیل ملکی در دادگاه، روزنامه «کیهان» ۱۸ اسفند ماه ۱۳۳۲

حزب توده مرداد

جنبش ملی شدن نفت ایران

مؤاداران حزب توده ایران که در خیابان های شاه سعدی بودند و سازمان های هوادار مصدق که در زمینه ای برای ارزیابی نیروها به دست می داد. های طرفدار حزب توده ایران به مراتب بیشترند. پس درسی ام تیربرجسته ترشد. در این روز که به پیش تظاهراتی صورت گرفت بان ایرانیست ها و استاد ارتباط آنان با دربار افشا شده) به بهانه ملی و با تهدید به خونریزی از برگزاری تظاهرات اجباراً تظاهرات جداگانه ای انجام شد: صبح بان ایرانیست ها، عصر جمعیت ملی مبارزه با تظاهرات عصر با جمعیت به مراتب انبوه تر، شد. رفیقان نیمه راه جنبش ملی، کسانی که از این ترس هر لحظه آماده سازش با ارتجاع و سی ام تیر به وحشت افتادند. دکتر غلامحسین وزیر کشور مصدق- کسی که زمستان ۱۳۵۷ خلق با شاه ملاقات کرد و با شرایطی آمادگی ملام داشت- درباره وحشی که از تظاهرات آن رگی در یک مصاحبه مطبوعاتی مطالب زیر را از

مبارزه حرکت ۲۸ مرداد (هنوز هم می گویند حرکت!) و [!!!] درسی تیر ۳۳ آماده شده بود. زیرا همه مردم از رفتار دکتر مصدق بودند و از جان و دل او را می ستودند و عده ای دیگر اصرار کردند که حاضر روایت به حزب توده گانه شرکت کنند و میلیون در یک زمان دیگر. به یک نیم روز و چپ ها با نظم و ترتیب خاص و قدرت و یک نیم روز عناصر ملی با ضعف تشکلاتی دست

بیم قرائت های بی مورد آورد که دولت های غربی اولادیت دکتر محمد مصدق به تفضیل پایگاه دولت مصدق هرات توده ها در آن روز ظاهراً چند برابر طرفداران ترتیب دولت انگلیس توانست نظر موافق دولت آغاز یک حرکت ضد ملی در ایران آماده سازد... من پیام آیتنهار که با آن شد دولت آقای مصدق را داده بود متأسراً از برداشتن جنبش جمهوری جدید آمریکا از تیر در میدان بهارستان بود. ۹۱

نیست که امپریالیسم آمریکا از تظاهرات سی ام توده کودتا نیتاد. از ماه های پیش نقشه کودتا یکا دشمن ملی شدن نفت و استقلال ایران بود و استقلال و ملی اش سرنگون کرد. این مطلب را با صراحتی و قبحانه بیان کرد و

سپاه از جمله متابع هنجوبین، اندونزی، برنامی و غیره است دنیا آزاد کمال ضرورت را دارد... از این لحاظ با سایر کشورهای آسیا در یک ردیف و وضعیت می باشد. اگر چه دموکراسی کشورهای آسیا و کشورهای نظیر هندوچین را از دست بدهد چطور ممکن ثروت اندونزی و مواد خام هنگفت آن کشور را که برای اهمیت را دارد نگاه داری نباید؟ ۹۲

سختگویی گستاخ انحصارات امپریالیستی آمریکا کمونیسم، «دموکراسی»، «جهان آزاد» و نظایر پنهان کردن سیاست جنایت بار امپریالیسم که کشورهای دیگر واسیر کردن آن هاست. کریمت کودتا، دو روز پیش از سی ام تیر (در ۲۸ تیرماه) ایران- صحنه عملیات- شده بود. کودتا نتیجه یی ها نبوده، بلکه جدا کردن توده ای از مصدق ها برت توده ای ها و ترساندن مردم از آن، جزئی از کودتای ضد مصدقی بود که به دست مدعیان «سم» عملی می شد.

سرچ می کند که پایه طرح «آژاکس» بر این را جدا کند و مردم را از قدرت آن ها بترسانند.

سی هم در بیروت با کوبه و هرن داشت. هرن خیلی گفت قدرت به واقع دست حزب توده است و روس ی دست را ببیند. ۹۳

۲۳ شهریور ما ۱۳۵۸، ما همه با دکتر هم تقصیر از انگلیس ها است که آمریکا (اندلی) ۱۵۰ مرداد ما ۱۳۳۲. ۳۳

چوب و چماق برداشتن و به نام «نیروی سوم» صف واحد مردم راشکستن برای اجرای این نقشه و نشان دادن این دست!! بود. کسانی که حزب توده ایران را به میدان راه نمی دادند و صف آن را جدا می کردند مجری طرح «آژاکس» بودند.

ظاهراً در تیرماه حساب کودتاچیان هنوز این بود که با کمک شاه و مجلس به سقوط حکومت مصدق شکل ظاهراً قانونی بدهند و مثلاً به نام این که مجلس رأی عدم اعتماد به دولت داده، مصدق را به طور «قانونی» از نخست وزیری بردارند. به علاوه مجلس مدت ها بود که لایحه جاسوسان شده بود و همه جنایت کاران توطئه گر از زاهدی گرفته تا بقایای در آن متحصن شده و خود را از مجازات نجات داده بودند و از همان جا به توطئه گری مشغول بودند. در برابر این وضع مصدق تصمیم به فرار نمود گرفت و طی پیامی خطاب به مردم ایران گفت:

«با وضع کنونی مجلس هفتم امید هیچ گونه موفقی در مبارزه ملت ایران نیست. دولت ناجار است از شما مردم وطن پرست تقاضا کند که عقیده خود را در ایضا با انحالل مجلس سریعاً اظهار کنید... مجلس در ماه های اخیر به صورت هسته مرکزی و پایگاه اصلی انحالل گران درآمده است.» ۹۲

این تصمیم کاملاً درست و انقلابی بود. فرزندم ۱۲ مرداد ماه در تهران و ۱۹ مرداد در شهرستان ها انجام شد. در تهران ۱۶۱ هزار نفر و در شهرستان ها یک میلیون و ۷۴۰ هزار نفر به انحالل مجلس رأی دادند. آرای مخالف ناچیز بود. مصدق در دادگاه نظامی برای نشان دادن اهمیت این آراء، کمیّت و کیفیت آن را با آرای انتخابات مجلس در دوره های گذشته مقایسه کرد و نشان داد که آرای فرزندم با وجود این که امکان رأی گیری از دهقانان نبوده، به مراتب بیشتر از انتخابات دوره های گذشته مجلس و به مراتب آزادتر از آن ها بوده است. و این حقیقت انکار ناپذیری است. ولی نباید از نظر دور داشت که در این انتخابات به هر صورت همه صاحبان آراء- حتی در شهرها- شرکت نکردند. تبلیغات گسترده ضد توده ای و ضد انقلابی و تبلیغات گسترده سلطنت طلبانه که طی سال ها انجام گرفته و خود جبهه ملی در آن نقش برجسته ای ایفا کرده بود، و همچنین جدا شدن گروهی از رهبران جبهه ملی و مذهبی از جنبش و تحریم فرزندم از جانب آنان، سبب شد که قشری از مردم سکوت و نظاره از فرود بود. دهند. جو غالب در تمام شهرستان ها و حتی در تهران، جو وحشت از فرود بود. مردم می دیدند که دربار و ارتش و پلیس سر جای خود هستند و معلوم نیست که فرود ورق بر نگیرد و همین «نیروهای نظامی» که در زمان خود مصدق مردم را بیچاره کرده اند پس از او چه بلاها که بر سر کسانی که رأی به فرزندم داده اند، نیاروند. این وحشت، عدم اعتماد به انقلاب، فشار جو ضد توده ای بسیاری از مردم را طع کرده بود.

سرپرست پرده کودتاگران هم چنان با خیال راحت سرگرم اجرای نقشه خود بودند. به طوری که روزولت تصریح می کند نقشه آن ها از چهار خط حمله تشکیل می شد:

«روحانی نمایان ارتش ها، اوباش، زاهدی ها. ۹۵»

سازمان های جاسوسی آمریکایی و دربار تهران به روحانیون اعتماد زیادی نداشته اند و با آن که سازمان جاسوسی انگلیس نسبت به آن ها نظر مساعدی می داده، چشم «سپا» ظاهراً از آیت الله کاشانی زیاد آب نمی خورده است. در مورد ارتش خیال روزولت راحت تر بوده زیرا افسران مرتجع هوادار سلطنت مقامات حساس ارتش را به دست داشتند و از آن مهم ترین که مستشاران نظامی آمریکایی ارتش را کنترل می کردند. با این حال «سپا» به هیچ یک از افسران ایرانی اعتماد نکرد و فرماندهی نظامی کودتا را به عهده یک افسر آمریکایی به نام پترامونتن گذاشت که در موقع عملیات نیز به افسران ایرانی فقط در حدود حداقل ضرور اطلاعات می داد. ۹۶

روزولت به اوباش که دو برادر ایرانی جاسوس آمریکا می بایست آن ها را تجهیز کنند خیلی امیدوار بود و در تجربه دیده بود که این دو برادر «تیم مجبزی» از اوباش دارند. با پول کم آدم می خرند، شتر به پیش می کنند و غیره. ۹۷

با این حال روزولت با وقاحتی برابر وقاحت تمام اوباش ۲۸ مردادی اضافه می کند:

«ما به صحن پرستان نیازمند بودیم نه به مزدوران. ۹۸»

حلقه مرکزی این چهار ستون حمله شخص شاه بود که می بایست به عملیات جاسوسی امپریالیستی ظاهراً قانونی و ایرانی بدهد و اوباش و افسران مرتجع و ملاکین غارت گر... را به هم ببینند. از شاه در واقع نامش لازم بود. اما شاه به شدت می ترسید و روحیه بسیار ضعیفی داشت آماده کردن او به اقدامات قاطع آسان نبود. سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا و انگلیس سرورس انگلیس مشترکاً تصمیم گرفتند که با اشرف پهلوی ملاقات کنند و او را پیش شاه بفرستند. ملاقات میان اشرف و گوردون سیماسوس انگلیسی- وهنای آمریکایی در سوس انجام گرفت. اشرف سوم مرداد وارد تهران شد. بلافاصله به دیدن شاه رفت. اما موفق به تقویت روحی او نشد. روزولت تصمیم گرفت از ژنرال شوارتسکف که برای «جهانگردی» به ایران آمده بود استفاده کند. او پیش شاه رفت. ولی او هم موفق به جلب اطمینان شاه نشد و پس از ملاقات با شاه به روزولت گفت:

«کم، تو از طریق هیچ رابطی نمی توانی موضوع را با شاه حل کنی باید خودت او را ببینی...»

روزولت ادامه می دهد

«در واکنش ارباب ها از ملاقات ما (یعنی روزولت با شاه) می ترسیدند... اما فقط من و شاه می توانستیم سانه را حل کنیم.» ۹۹

در این وقت روزولت تصمیم به ملاقات با شاه می گیرد و نیمه شب ۱۰ مرداد ماه به یکشنبه ۱۱ مردادماه دزدانه به دیدار شاه می رود. ملاقات را یک جاسوس مشترک آمریکا و انگلیس که در دربار کاری کرده ترتیب می دهد. در این ملاقات روزولت برای جلب اعتماد شاه و تأکید این که از جانب آیتنهار و چرچیل نمایندگی دارد علامات رمزی به شاه می دهد و به او می گوید:

- ۹۴. پیام را دیوینی مصدق خطاب به مردم ۵ مرداد ما ۱۳۳۲، روزنا مه کبکها ن همان روز.
- ۹۵. کریمت روزولت، اشراف دشمن، صفحه ۱۶۴.
- ۹۶. همان جا.
- ۹۷. همان جا.
- ۹۸. همان جا.
- ۹۹. همان جا صفحه ۱۴۹.

«خود پرزبانت آیتنهار عبارات زیر را در یک سخنرانی که به زودی ۲۴- ساعت آیتنهد- در سافرانسکو ایراد خواهد کرد، خواهد آورد... از طرف چرچیل هم امشب رادیویی بی سی تغییر در برنامه همیشگی خود داده و به جای این که بگوید الان نیمه شب است خواهد گفت الان (کمی مکث) دوست نیمه شب است.» ۱۰۰

به این ترتیب روزولت، جاسوس سپاه، «فرمانده عملیات آژاکس» به عنوان نماینده چرچیل و آیتنهار وارد مذاکره با شاه می شود. در این نیمه شب دیگر هرگونه فاصله ای میان ظاهر اطو کیشته مقامات رسمی و دولتی امپریالیستی و جاسوسان حرفه ای از میان برداشته می شود و بی بی سی «بی طرف» علامت رمز سازمان جاسوسی را پخش می کند- چقدر ساده اند کسانی که گمان می کنند بی بی سی و نظایرش بی طرفند و با فلان رئیس جمهور آمریکا از نقشه کودتا خبر ندارند- روزولت بارها تأکید کرده است که ایدن و جان فوستر دالس (وزیر خارجه انگلیس و آمریکا) در تنظیم نقشه کودتا شرکت داشتند و جزئیات نقشه را بررسی و تصویب کرده اند.

باری در این ملاقات پیرامون عمل کرد هر چهار ستون حمله بحث می شود و چون مجلس در کار نیست، قرار می شود عزل مصدق به استناد فرمان شاه باشد و روزولت فرمان های شاه را خطاب به نخست وزیر و ارتش تهیه کند و بفرستد که شاه امضا کند و سپس به رامسر برود. سایر نقاط کشور بنا به گفته روزولت برای شاه مساعد نبوده است.

در این ملاقات اسم رمز لقب جاسوسی شاه هم به او ابلاغ می شود. رمز او K.G.Savok. و لقبش «پیشاهنگ» است. ۱۰۱

روز چهاردهم مرداد آیتنهار سخنرانی را که قرار بود عبارت رمز خطاب به شاه هم در آن باشد ایراد کرد. در این نطق که برنامه اش قبل از پایان فرزندم تهیه شده بود آیتنهار فرزندم را بهانه کرد و گستاخانه گفت: «در ضمن اخبار ایران که در جریان صبح چاپ شده است البته خواننده اید که آقای دکتر مصدق بلاخره بر پارلمان قانع آمد و توانست خود را از مخالفت پارلمان خلاص و آسوده سازد. آقای دکتر مصدق البته در این اقدام خود از حزب کمونیست استفاده کرد و کمک گرفت.

به طوری که اشاره کرد تهدید کمونیست ها [!!!] نسبت به کشورهای آسیا اساساً برای آمریکا کشم و خطرناک است. آمریکا ناچار بایستی این راه را در هر جا باشد مسدود کند و این کار دیر یا زود بایستی انجام گیرد.» ۱۰۲

روز ۲۰ مرداد ماه که نتایج فرزندم کل کشور اعلام شد شاه طبق قرار می که با روزولت داشت تهران را به سوی رامسر ترک کرد. و از همان وقت اجرای مشخص کودتا آغاز شد. ابتدا قرار بر این بود که واحدهای گارد سلطنتی با حمله نظامی تهران را فتح کنند. افسران توده ای که در این واحدها بودند خبر تدارک کودتا را دادند و این خبر به اطلاع مصدق رسانیده شد و در مطبوعات حزبی درج گردید. ۱۰۳

اولی متأسفانه مورد توجه قرار نگرفت. خائنین و قاتلینی نظیر بقایای که هنوز آزادند و با گردن شق راه می رفتند و روزنامه منتشر می کردند، طبق نقشه آژاکس مأمور بودند شایع کنند که گویا خود حزب توده ایران قصد کودتا دارد:

«توده ها قصد کودتا دارند و نظراتش از انتشار خبر کودتای جعلی انحراف افکار عمومی است [!!!] اخبار بسیار موق که به دست ما رسیده حاکی است که حزب توده در نظر دارد دست به یک کودتای کمونیستی بزند.» ۱۰۴

سرانجام کودتای واقعی اتفاق افتاد. نیمه شب ۲۵ مرداد سرهنگ نصیری فرمانده گارد با تانک و نیروی نظامی به نام این که فرمان عزل مصدق را ابلاغ می کند، به منزل مصدق یورش برد. ولی ناگام ماند. حزب توده ایران با اطلاعاتی که از قبل به مصدق داده بود و با شرکت فعال افسران توده ای کودتا را شکست. زحماتی که افسران توده ای در آن شب کشیدند و شگردهایی که برای رساندن خبر به کار بردند نشانه ای است از نفوذ عمیق مشی اتحاد حزب توده ایران در تک تک اعضای آن. توده ای ها به بهای جان خود می خواستند دولت مصدق را نجات دهند و نجات دادند. یادآوری کنیم که حزب توده ایران مخفی و تحت پی گرد بود. افسران توده ای به طور مضاعف تحت پی گرد بودند. چند تن از آنان که زمان مصدق دستگیر شدند همان شب ۲۵ مرداد در زندان فلک الاقلاک اسیر بودند و پس از ۲۸ مرداد برخی از آنان اعدام شدند. افسران توده ای در شب ۲۵ مرداد می بایست از حکومتی دفاع کنند- به بهای جان- که با حزب آن ها چنین رفتاری دارد. از سوی دیگر کودتاچیان اصلی، کودتا را کاملاً پنهانی تدارک می دیدند. افسر آمریکایی فرمانده کودتا، استونمن، اسرار را پیش خود حفظ می کرد. دستورات او تکه تکه و پنهانی بود. رابطه واحدهایی که می بایست در عملیات شرکت کنند از مدتی پیش با خارج قطع می شد. با این حال توده ای ها می بایست خبر را برسانند! چطور؟ سران قیامی افسر توده ای می نویسد:

«قبل از ۲۵ مرداد در باغ شاه بودم. اطلاع یافتم که سرهنگ دادستان به فرماندهی یادگان منصوب شده و چند تانک در اختیارش گذارده اند. بلافاصله بخش نامه مصمرته ای رسید که افسران و افراد حق ندارند از سرای خانه خارج شوند. راهی برای تماس نبود. ناچار به چند عضو سازمان جوانان که حوالی در باغ شاه بودند خبر دادم که امشب کودت می شود...»

نصیری دستور حرکت به خانه مصدق را داد. از وقت و بردن واحد مربوط خودداری کردم. پس از رفتن آن ها به مصدق تلفن زدم.» ۱۰۵

سرگرد خیر خواه افسر گارد شاهنشاهی و عضو فعال حزب توده ایران می نویسد:

«روزهای قبل از ۲۵ مرداد دستور بود که از مطاباد خارج نشویم. روز ۲۴ مرداد عدم خروج افسران و سربازان مورد تأکید قرار گرفت. نزدیک غروب نصیری جلوس آسایشگاه گارد جاویدان آمد دستور داد که در تمام شب معجز و آماده انجام مأموریت باشند... به علت عدم امکان خروج از کاخ خبر دادن به سازمان حزب مقنور نبود. رفتاری که با من در ارتباط بودند هیچ کدام تلفن نداشتند.

اجباراً خود را به خطر انداختم و به سرگرد فولادوند که طرفدار مصدق بود و با نزدیکان او ارتباط داشت خبر دادم. او مره بود تلفن

- ۱۰۰. همان جا صفحه ۱۵۶.
- ۱۰۱. همان جا، صفحه ۱۶۴.
- ۱۰۲. روزنامه اطلاعات، ۱۵ مرداد ما ۱۳۳۲.
- ۱۰۳. شجاعت به جای بسوی بنده، ۱۸ مرداد ما ۱۳۳۲.
- ۱۰۴. شاهد، ۲۴ مرداد ما ۱۳۳۲.
- ۱۰۵. از خاطرات منتشر نشده، سروان اسما عیلم فیاضی

داشت. به علاوه به عنوان رئیس ستاد به تلفن دختر نصیری هم دسترسی داشت... سرانجام به منزل مهندس فریدون تلفن کردم. کسی را نتوانستم که با من حرف بزند. یادداشتی دادم برد.

حدود ساعت ۲۱ نصیری آمد. فرمان عزل شاه را خواند و دستور حرکت داد. مرا به ویلائی فرستادند و گفتند کسی خواهد آمد. گمان می کردم زاهدی است و من توانم دستگیرش کنم. اما کودتا شکست خورد و کسی نیامد. ۱۰۶

خبرهایی که با چنین زحمتی می رسید، در شرایط دشوار مخفی دست به دست می شد تا به رهبری حزب می رسید. ولی به هر صورت خبر کودتا از طریق سایر افسران به موقع به رهبری حزب هم رسید. رفیق کیانوری به مصدق تلفن کرد و علاوه بر خبر، پیشنهاد مشخص کمک داد. به رئیس ستاد ارتش تلفن کرد و او را از خواب بیدار کرد و به ستاد ارتش فرستاد.

رفیق کیانوری در خاطراتش این طور می نویسد:

«۱۸ روز ۱۸ مرداد حزب توده ایران هشدار داد که جبهه متحدی از سر برترین دشمنان ملت به وجود آمده و دربار و سفارت آمریکا هرگز توطئه ای است که هدفش برانداختن دولت است.

حزب ما در میان نظامیان هوادار رژیم شاه که مأمور تدارک کودتا بودند هوادارانی داشت و از طریق آن ها اطلاعاتی به دست می آورد. روزی یکم مرداد ماه به اطلاع رسید که مقدمات اجرای کودتا در شکر گارد و سایر واحدهای هوادار اطمینان شاه فراهم شده و در انتظار تهیه ساعت عمل می باشند. این اطلاع را سرهنگ مشیری در ساعت های نزدیک به نیمه شب به منزل من آورد. از همان منزل کوشش کردم با دکتر مصدق تماس بگیرم. برای این که اطمینان او را به درستی مبله خبر مطمئن سازیم، همسر من که بستگی و آشنایی با دکتر مصدق و خانم دکتر مصدق داشت به اندرون تلفن کرد و خانم را خواست و به وسیله خانم دکتر مصدق، دکتر را پای تلفن خواستم. این راه ارتباط را تا آخرین ساعات روز ۲۸ مرداد حفظ کردم.

روز بیست و سوم مرداد باز هم حزب ما در شرایط صبح خود خطر کودتای قریب الوقوع را متشخص ساخت. روز بیست و سوم بعد از ظهر بازم سرهنگ مشیری به منزل من آمد. و خبر آورد که برای شب قرار قطعی حمله گارد گذاشته شده است و ضمناً اسامی برخی افسران بالا رتبه ای را که گرداننده کودتا بودند با خود آورد. در میان این اسامی نام سرزین دفتری بود که خواهر زاده دکتر مصدق و مورد اطمینان او بود و از طرف او به ریاست شهرتانی کل کشور منصوب شده بود.

من در ساعت ساعت باز از ره اندرونی با دکتر مصدق ارتباط گرفتم و به او گفتم:

«آقای دکتر توطئه کودتا قطعی است. کودتاچیان در کارشما هم جا گرفته اند. نام کودتاگران چنین است... سرزین دفتری که شما به او اعتماد دارید با آنان ارتباط دارید. ما اطمینان داریم که دوستان شما در ارتش که در دست های فرماندهی هستند عرضه و لیاقت هیچ اقلی را ندارند. ما حواس بسیار با ارتش و فداکاری در میان افسران داریم که بست های حواس فرماندهی ندارند. ما حاضریم این افراد را به شخص شما معرفی کنیم. از آن ها برای دفاع از شانه خونتان و برابری بست های مهم فرماندهی استفاده کنید. تنها از این راه می شود جلوی خطر را گرفت.»

دکتر مصدق سپس گزارشی کرد ولی گفت:

نگرانی شما پیش از اندازه است. آن ها کاری از پیش نخواهند برد. من به سرزین دفتری اعتماد کامل دارم. او به من خیانت نخواهد کرد. اگر باز هم چیزی پیدا کردید از همین راه مرا مطلع سازید.

بر اثر این اطلاع، روز بیست و سوم کودتا مضم ماند. کودتاچیان نیم ساعت پس از نیمه شب با پرتاب موشک سفید به واحدهای کودتاچیان انصراف از کودتا را اطلاع دادند.

برای حزب ما در آن روزها مسأله کودتای نظامی شبانه مطرح بود. برای این که مخالف گیر نشویم به واحدهای حزبی دستور داده شده بود که در پشت بام خانه هایی که بر سر راه های حرکت واحدهای نظامی به تهران قرار دارند بست های شانه بگذارند و رفتاری حزبی با طشت و شیشه و همه وسایل خبر کردن و بیدار کردن مردم معجز باشند تا در صورت مشاهده واحدهای نظامی، مردم را بیدار کنند و خود به خیابان ها بریزند و مردم را به مقابله با کودتا دعوت کنند.

کودتاچیان که فاش شدن توطئه روز ۲۳ مرداد ماه را همیشه بودند روز ۲۴ مردادماه، دو ساعت قبل از عمل به واحدهای خود شروع عملیات را اطلاع دادند. ساعت ۱۰ شب روز ۲۴ مرداد ماه سرهنگ دوم مشیری به منزل من آمد و خبر آورد که همان شب ساعت ۱۲ عملیات شروع خواهد شد. من قریب از همان راه به دکتر مصدق اطلاع دادم و با مصابیت به او گفتم که حرف ما را باور نکرده، این هم نتیجه اش. او البته با لمن دوستانه تر سپس گزارشی کرد. من باز هم همه پیشنهادت شب پیش را به او تکرار کردم و از او خواش کردم مواظت کند که ما چند نفر از دوستان خود را برای حفاظت خانه او بفرستیم. او باز هم از پذیرش این پیشنهاد سر باز زد. من به او پیشنهاد کردم آقای دکتر لازم است فرد مبارزی را به ریاست ستاد ارتش بگمارد. او نپذیرفت.

با کمک سرهنگ مشیری کوشش کردم سرزین دفتری ریاستی رئیس ستاد را پیدا کنیم و او را از جریان آگاه سازیم. فکر می کردم که او در این لحظات حساس در ستاد ارتش است. ولی با تعجب گیج کننده ای معلوم شد که جناب تیمسار در منزل خود در شیراز استراحت می کند. از او خواستیم که بلافاصله به شهر حرکت کند. و همین امر باعث شد که او از نظر بازداشتش که همان شب از طرف کودتاچیان انجام گرفته بود بجهد.

کودتاچیان از ساعت ۱۱ شب دست به کار شدند. دکتر حسین قاضی وزیر خارجه، مهندس خلق شانس وزیر راه و مهندس غلامحسین زیرک زاده را بازداشت کردند و به سعناباد بردند. همکاران کودتاچیان همه تلفن های ستاد ارتش را بریده بودند.

ما از طرف دیگر توانستیم به ستوان شجاعان که خود در میان کودتاچیان بود دستور دهیم که مراسم کنندگان به خانه دکتر مصدق را که مأمور ابلاغ عزل دکتر مصدق از نخست وزیری و باز داشت او بودند بازداشت کنند. یک بار دیگر توطئه کودتا تنها به کمک حزب توده ایران ختم ماند. ۱۰۷

- ۱۰۶. از خاطرات منتشر نشده، سرگرد دخیرخواه.
- ۱۰۷. شورا لندین کیا نوری، حزب توده، ایران و دکتر محمد مصدق. انتشارات حزب توده، ایران، تهران، ۱۳۵۹، صفحه ۳۶



سیاست خارجی مستقل هندوستان برای ایران نیز آموزنده است

با آنکه خوب میدانند دولت هندوستان «کمیونیستی» نیست و لفتاب آن به دبلوک کمیونسو هم درجه بلزای خریدار نخواهد داشت، یارها ناخشنودی خویش را از سیاست عدم عهد ضدامپریالیستی هندوستان در حرف و بویزه در هل ابرو گرفته اند. آنها در این زمینه هواره گوشش روزبسانند که هندوستان را از خط اصولی سیاست خارجی خود منحرف سازند برای نمونه میتوان توطئه ارتجاع هندوستان و دستپاچه شدن پالیسی آنرا در جریان سقوط دولت قبل، ایندیروا گاندی یادآور شد.

امپریالیسم و ارتجاع جهانی برای رویک رویی یا سیاست استقلالطلبانه و ضدامپریالیستی هندوستان، همچنین اثر پاکستان و چین، در دستیار فعل خود در آسیا، نیز بهره برداری کامل بعمل می آورد. پاکستان اینک بیش از سه چهارم نیروهای مسلح خود را در مرزهای پاکستان - هند مستقر کرده است و بیوسته بمب لاشی خود را به رخ هندوستان میکشاند. چین نیز سالهاست به پلته دهلوی ارضی خود به تحریک متاجرات مرزی با هندوستان می پردازد و آخرین نمونه توطئه های ضدهندی آن را نیز در ناآرامی های آسام مشاهده کردیم. اما علیرغم تشبیهات امپریالیستی و همه بردهای مرتجع، هندوستان توانسته است که با پیگیری در سیاست خارجی اصولی خود وجه خاصی برای خویش در میان خلقهای شرقی و مسلح دوست بستاند. و ستایش نیروهای ضدامپریالیستی و استقلال طلب را برانگیزد. تجربه پیروز هندوستان در سیاست خارجی میتواند برای ایران نیز آموزنده باشد.

هندوستان، یادآور میشود که آن کشور هرچه بیشتر مناسبات خود را با ویتنام و لائوس بسط خواهد داد. بررسی کارنامه سیاست خارجی هندوستان در سالها پیش، که از یوری کلا آمدن دوباره ایندیروا گاندی، برشک به پویایی آن افزوده شده است، نشان میدهد که برای این کشور اصول عدم تمسند و همزیستی سالمت آمیز، نه تنها بیحدی ناکشیدنی است، از همه کشورهای جنبشها و نیروهای شرقی و ضدامپریالیستی نیست، بلکه تنها از این طریق به پیگیریترین گونه تحقق می یابد. نمونه های گوناگون این سیاست اصولی را در حمایت فزاینده از جنبش های آزادی بخش ملی راسمین، مقابله با نژادپرستی، استعمار و نوآستعمار و همبستگی با خلق قریبان فلسطین و یگانه نایبند و اقرا آن، «جنبه آزادی بخش فلسطین»، میمان مشاهده میکنیم.

گرچه سیاست خارجی هندوستان در عهدترین مسائل بین المللی مربوط به صلح و آزادی و استقلال خلقها، اگر با سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی منطبق باشد، به آن بسیار شبیه است، اما این کشور هیچگاه این واقعیت را به معنای سیاست پیروز از کشورهای نامبرده تلقی نکرده است. دولت هندوستان نه تنها میان استقلال نام وابستگی عدم تمسند خود و پیگیری خویش در جنبه کشورهای ضدامپریالیستی که جامعه کشورهای سوسیالیستی تواناترین و قطع ترین نیروی آنرا تشکیل میدهد، گمانناهی نمیداند، بلکه تنها از این راه میتوان پیگیری بهترین عوامل مبارزه برای صلح و امنیت خلقها به جریانبان شناخته شده است. از سوی دیگر، کشورهای امپریالیستی،

را در برابر مسائل فاض بین المللی بشود رسانید، بلکه با تمسند نامبرده همچنین کامی سازنده در راه تنش زدایی در منطقه و جهان برداشت. برای درک بهتر سیاست خارجی واقع بینانه، سازنده، استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی دولت هندوستان، کافی است که نگاهی به «گزارش سالانه» وزارت خارجه هندوستان به پارلمان مرکزی آن کشور در دهلنو بیافکنیم. این «گزارش» به بهترین وجهی موضوع بس مثبت هندوستان و دولت ایندیروا گاندی را در قبال مسائل حیاتی جهان، چون ضرورت تجدید تسلیحات و خلع سلاح، پیگیری روند تنش زدایی، پاسداری از صلح و تحکیم امنیت خلقها نشان میدهد.

«گزارش سالانه» وزارت خارجه هندوستان، با اشاره به سفر آندره گرومیکو به دهلنو، در زمستان سال پیش، تأکید می کند که: «گسترش مناسبات میان هندوستان و اتحاد شوروی به پیشبرد مصالح دراز مدت تحکیم صلح و ثبات منطقه کمک میرساند». گزارش نامبرده نکاتی مهم در سیاست هندوستان در خورمیانه و اقیانوس هند ابراز می نماید و در این زمینه بویزه از امپریالیسم آمریکا نام می برد که، مدتهاست به توسعه شبکه پایگاههای نظامی خود در اقیانوس هند مشغول است و قصد دارد که از این پایگاهها راه برای استقرار نیروهای «ناکش سریع» برای گسیل به «مناطق انفجاری» استفاده جوید. «گزارش سالانه» وزارت خارجه

روز ۲۴ مرداد اسلا، مردم هندوستان می و دومین سالگرد استقلال هند را با شکوه فراوان بر گزار کردند. سی و سه سال پیش در چنین روزی، جواهر لعل نهرو، اولین نخست وزیر پیشوای بزرگ آن کشور، با برافراشتن پرچم هندوستان در «دژ سرخ»، واقع در بخش قدیمی دهلنو، استقلال هندوستان را رسماً اعلام داشت.

هندوستان، علیرغم دشواریهای سهمگینی که در راه چیرگی بر میراث استعمار بریتانیا به پیش داشته و دارد، در زمینه اقتصادی و اجتماعی به دستاوردهایی بزرگ نایل شده است. کشوری که پیش از استقلال تقریباً همه فراورده های صنعتی مورد نیاز خود را از خارج وارد میکرد، اینک از کارخانه های صنعتی نولیکر برخوردار است و حتی در گستره کارست مساهلات آمیز از نیروی هسته ای و دستاوردهای کیهان نوردی هم در جهان نامی برای خود کسب کرده است. اما درخشانترین جنبه سیاست هندوستان از اعلام استقلال تاکنون، سیاست خارجی آن کشور است. که اکثر کمی موفق از سیاست عدم تمسند و بیکار قاطع و خستگرنابذیر ضدامپریالیستی بوده است.

آخرین نمونه این سیاست خارجی اصولی را چندی پیش در اعلام تقسیم دولت هندوستان، مبنی بر شناسایی دیپلماتیک جمهوری تودهای کمپونیا مشاهده کردیم. دولت هندوستان با این تقسیم خود نشان داد که، علیرغم چنجال تبلیغاتی امپریالیسم، از حق حاکمیت خود پیگیرانه استفاده می جوید. این دولت، با شناسایی دولت کمپونیا، نه تنها یاد دیگر واقع بینی خود

کسادی اقتصادی در کشورهای سرمایه داری غرب روز به روز گسترش می یابد

در لندن رسماً اعلام شد که تولید فولاد در انگلیس، در ژوئیه گذشته، بطور متوسط هفتای هجده است و هفتاد و یک هزار تن بوده است، که نسبت به رقم متوسط در ژوئن، ۲۶۸ درصد کاهش نشان میدهد. شرکت فولاد انگلیس و تولید کنندگان مستقل فولاد اعلام کردند که این کاهش یسابقه از جمله نشان دهنده اوضاع اقتصادی کابوس کاهش برای اقتصادهای فولاد است. بطور کلی تولید فولاد در هفت ماه اول سال ۱۹۸۰ حدود دویست و پنج هزار و هشتصد تن بود، که کمتر از نصف میزان متوسط در دوره مشابه سال ۱۹۷۹ است. بحران در صنایع فولاد انگلیس به بیکاری هزاران کارگر فولادکار منجر شده است.

شمار بیکاران در کشورهای «بازار مشترک اروپا» بصورت رویه افزایش است.

وزارت کار فرانسه اعلام کرد که در ماه ژوئیه شمار بیکاران نسبت به ماه ژوئن ۲۶ درصد افزایش یافته است. بموجب همین گزارش، حدود یک میلیون و سیصد و سی هزار کارگر فرانسوی بیکار هستند اما کارشناسان اقتصادی فرانسه عقیده دارند که، شمار واقعی کارگران بیکار از این رقم بیشتر است. زحمتکشان فرانسوی مانند دیگر زحمتکشان جوامع سرمایه داری علاوه بر بلیه بیکاری، با تورم فزاینده و در نتیجه فقر روزافزون روبرو هستند. از سوی دیگر، در ژوئیه گذشته سیر صعودی تورم در ژاپن نیز همچنان ادامه یافت.

همکاری برادرانه اعضای شورای همیاری اقتصادی

همکاری میان کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی، برخلاف کشورهای سرمایه داری، بر پایه کاملاً برادری استوار است. بعنوان مثال، دبیرخانه این شورا اعلام کرد که اتحاد شوروی نفت مورفیزار کشورهای عضو را به بهائی مورفیزار درصد کمتر از بازار جهانی تعیین میکند. بنا به گزارش این دبیرخانه، بدین ترتیب این کشورها هر سال صدها میلیون دلار صرفه جویی می کنند.

فصلی امپریالیسم آمریکا و برتری طلیان یکن، عامل اصلی افزایش تشنج در جهان است

دهران بلغارستان و مولدستان در پایان مذاکرات خود در وارنا اعلام کردند که تیلی و همبندی امپریالیسم آمریکا و برتری طلیان یکن عامل اصلی افزایش تشنج در جهان است. دهبران دو کشور تأکید کردند که تلاش های دارو دهنه یکن در آسیای جنوب شرقی، که از حمایت امپریالیسم برخوردار است، مانعی در راه روابط طای و دوستانه کشور های آسیای جنوب شرقی بشمار می رود.

احزاب و سازمانهای ترقیخواه آمریکای لاتین، کودتای بولیوی را محکوم می کنند

دهبران ۲۵ حزب و سازمان ترقیخواه آمریکای لاتین خواستار اجلاس فوق العاده سازمان کشورهای آمریکائی برای رسیدگی به جنایات رژیم کودتا در بولیوی شدند. این گروهها ضمن محکوم کردن کودتای بولیوی، خواستار انزوی کامل رژیم کودتا و شناسایی حکومت وحدت ملی برهبری سواسو شدند.

بندر ابورا، در سوماتالی به پایگاه نظامی آمریکا تبدیل میشود

در ایران و بطور کلی تقسیم صنایع استراتژیکی - نظامی آمریکا در این منطقه گردیده زنده داران کتسب شده و وزارت دفاع آمریکا به منظور رویارویی با تحولات انقلابی جدید در این منطقه و تلاش برای تضعیف ویراننداری رژیمهای انقلابی خود، در جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان و ترمیم و جبران مواضع سیاسی و اقتصادی نظامی بمقاس منطقه رفیق قاسم متوجع استراتژیکی - نظامی جهانی خود به تقویت پایگاههای نظامی و گسترش حضور نظامی خود در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس پرداخته. طبق همین برهنگه کمکهای نظامی و تسلیحاتی آمریکا به مصر، عربستان سعودی، عمان، پاکستان افزایش یافته پایگاههای نظامی و امنیاتی نظامی در این کشورها گسترش یافت و مستقماً در اختیار آمریکا قرار گرفت. پایگاه نظامی دریایی آمریکا در جزیره دیه گو گوزنیا در اقیانوس هند بزرگساز شد و گسترش یافت و نیروهای دریایی و هوایی و واحد های تکنیکال در دریای جدیدی به این پایگاه اعزام شد و با سلاحهای پیشرفته و تجهیزات مدرن و رژیم دفاع آمریکا با توجه به موقعیت جغرافیایی سوماتالی و مسوقیت استراتژیکی نظامی بندر فریره، تمام تلاش خود را برای به دام انداختن سوماتالی و تبدیل بندر فریره، یک پایگاه نظامی آمریکائی و وابسته کردن دولت سوماتالی بکار برد. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران از پیروزی انقلاب دمکراتیک در افغانستان و تقویت مواضع اجتماعی و سیاسی و نظامی کشور، های ضو جنبه پایبنداری (سوریه) لیبی، الجزایر، یمن دمکراتیک، جنبه آزادی بخش فلسطین) دزبرابر تجاوز اسرائیل در منطقه خاورمیانه که موجب از دست رفتن مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی آمریکا

منابع دیپلماتیک و امنیاتی اعتبار امیدواری کرد که در آیدم زده یک در مورد اجاره بندر «فریره» از سوماتالی و تبدیل آن به پایگاه نظامی دریایی و هوایی آمریکا، میان دولت آمریکا و دولت سوماتالی، توافق حاصل خواهد شد. از قرار دولت سوماتالی در قبال ۴۰ میلیون دلار شرافت و حاکمیت ملی خود را بر این بندر گاه بعرض فروش گذاشته است. بندر «فریره» در ۲۵۰ کیلومتری جنوب غربی جیبوتی قرار دارد و از منظر استراتژیکی یکی از مناسبترین پایگاههای دریایی در ناحیه اقیانوس هند محسوب میشود. از سه سال قبل که روابط سوماتالی با اتیوپی برسر اختلافات و ادعای ارضی براساس دولت سوماتالی بر قسمتی از سرزمین اتیوپی، روابط این دو کشور رو پوخامت گراید و در منطقه شتخ آفریقا وضع بحرانی پدید آمده منطقه شتخ آفریقا و موقعیت استراتژیکی آن نظر کلاخ سفید و وزارت دفاع آمریکا داجلب کرد. پس از پیروزی انقلاب در اتیوپی و سرنگونی رژیم امپریالیستی دولت سوماتالی ادعای ارضی بی اساس خود را بر سر سرزمین اتیوپی مطرح ساخت و خواستار الحاق ایالت اوگان که متعلق به اتیوپی است به خاک سوماتالی گردید. این ادعای غیرقانونی و بی اساس سوماتالی نسبت به اتیوپی و دستپاچه آن تحریکات نظامی و تجاوز مسلطانه به اتیوپی به نام آزاد کردن اوگان و تشکیل سوماتالی بزرگ، موجب برانگیختن روابط دو کشور و بروز حالات جنگی میان آنها گردید که در نتیجه آن و اختفاری دولت سوماتالی در تحقق ادعای ارضی براساس خود نسبت به اتیوپی، دولت سوماتالی بتدریج مواضع انقلابی و استقلال طلبانه خود را ترک نمود و در مواضع ستیزه جویی و خصومت نسبتاً با دولت اتیوپی و اتیوپی بلکه

کشتار مردم السالوادور توسط رژیم دست نشانده آمریکا

دهبران جبهه دمکراتیک انقلابی السالوادور در بیانیه ای اعلام کردند که در جریان اشغال عمومی سه روزه، مزدوربان رژیم دست نشانده کشور، صدها تن را قتل عام کردند. این جبهه در بیانیه خود تأکید کرد که از جمله در یک روستا، چیکم پوستان، مزدور، سیمند روستائی را به خاطر حمایت از اشغال کنندگان وطنی و قتل رسانند. در این اقدامهای جنایتکارانه، مستشاران نظامی آمریکا رهبری عملیات را در دست داشتند. از سوی دیگر این جنایت بدون تلافی نشانده است و نیروهای مسلح جبهه با حمایت مستقیم زحمتکشان مسلح، ضروریات در هم شکندهای به ارتش مزدوران وارد کرده و دهها تن از مزدوران و سربازان مزدور به دست مبارزان بقتل رساندند.

سیاستهای تجاوزکارانه دولت صهیونیستی اسرائیل زحمتکشان را ضد ملیان زیر فشار قراردادهاست

یتا به آملی که از سوی وزارت دارائی اسرائیل منتشر شده از آغاز سال جاری تاکنون، قیمتها در کشور حدود ۵۶ درصد افزایش یافته است. بنا به پیش بینی کارشناسان این وزارتخانه، تا پایان سال جاری، میزان تورم از ۱۱۵ درصد خواهد گذشت. وزیر دارائی اسرائیل اتراف کرد که انتظار نمیرود در آینده نزدیک بیبودی در اوضاع حاصل شود. هزینه های سرسام آور نظامی، در جهت اجرای عملیات تجاوزکارانه علیه خلقهای عرب، عامل اصلی افزایش تورم و فقر و تنگدستی زحمتکشان است.

امپریالیسم آمریکا حامی سیاستهای پلید اسرائیل است

مسلمانان اتحاد شوروی نیز، مانند مسلمانان دیگر کشورهای، تصمیم صهیونیستی تل آویو را در مورد تبدیل بیت المقدس به پایتخت اسرائیل قاطعانه محکوم میکنند. صدر اداره مذهبی مسلمانان ماوراء قفقز تصمیم اسرائیل را در این مورد قویاً محکوم کرد و این تغییر را اقدامی علیه مسلمانان جهان دانست. صدر اداره مذهبی مسلمانان ماوراء قفقز ضمن اشاره به حمایت آمریکا از اسرائیل گفت امپریالیسم آمریکا از سیاست های پلید اسرائیل حمایت میکند. صدر اداره مذهبی مسلمانان ماوراء قفقز همچنین سیاستهای تحریک آمیز آمریکا در خلیج فارس و علیه انقلاب افغانستان و فلسطین را نیز محکوم کرد.

ادعای ارضی چین نسبت به هند

مقام های وزارت خارجه هند اعلام کردند که رژیم یکن میخواند استقلال مرزی میان چین و هند را از طریق انتشار نقشه های بر اساس د جعلی بنفع چین حل کند. مائوئیست های یکن اخیراً نقشه هایی در یکن منتشر کرده اند که در آنها هزاران کیلومتر از خاک هند که در اشغال چین است، جزء خاک چین قلمداد شده است. دهبران یکن از منتها پیش به هند فشار وارد می سازند تا به شرایط چین در مورد حل و فصل مسائل مرزی تسلیم شود. تشریح هندی فتنال هلاله می گوید که پیشنهاد چین به هند در واقع درخواست از دولت هند برای تسلیم شدن به شرایط چین است. مائوئیست های یکن نسبت به تمام کشورهای همسایه چین ادعای ارضی دارند.

سقوط هوایی نظامی آمریکا در مصر

یک هواپیمای نظامی اف بی ۷ آمریکا، هنگام عملیات تخریبی، در مصر سرنگون شد. این حادثه نشان میدهد که امپریالیسم آمریکا بصورت سرگرم «آشنائی با نحوه عملیات در خاورمیانه است، تا در صورت لزوم بتواند در منطقه مداخله کند. از چند هفته پیش مانور مشترک نظامی نیروی هوایی مصر و آمریکا، در چند پایگاه مصری آغاز شده است. آمریکا هنگام حمله نظامی به ایران از جمله از یکی از پایگاه های مصری استفاده کرده بود.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالان و محترکراست

در جلسه علنی دیروز مجلس:

اعتبارنامه اسحق فرهمندپور بعلت عضویت در سازمانهای صهیونیستی و رابطه با دربار شد



نماینده کرمان: نیروی مردم باید در همه ابعاد بسیج شود.

نماینده شیراز: ما خواهان ارتشی نیستیم که ژاندارم امپریالیسم در منطقه باشند.

در جلسه علنی دیروز مجلس، که برپاستحجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، محمدعلی موحدی نماینده کرمان و اولین نامزد پیش از دستور، با اشاره به نامه نمایندگان کنگره آمریکا و سفرای چند کشور اروپایی که روی کارنامه اظهار دوستی کرده و خواهان آزادی گروه‌ها شده‌اند، گفت: «اینها اگر دسترسی پیدا کنند به شما، هیچ جتی برای شما باقی نمی‌گذارد. دلی مملو از عناد و دشمنی با شما دارند. توطئه‌ها می‌کنند. کودتاها در مقام تصمیم دارند. تبلیغات مسموم راه می‌اندازند. دانشجویان شمارا در همان زمانیکه (بظاهر) طرح ملازمت و ملازمت دارند، شکنجه و زجر می‌دهند. نامه ولو از نمایندگان کنگره است، ولی دنیا و ما می‌دانیم نامه دیده شده کافر است. در برابر این نامه چه موضعی دارید؟ مجلس شورای اسلامی که باید حافظ انقلاب و به‌تمرسانان دستاوردهای انقلاب و مایه امید مردم باشد، چه موضعی دارد؟ موضع مجلس شورای اسلامی در برابر عناصر خان توطئه‌گر و ستارگ و خونخواری که نه‌عهدی را مراعات می‌کند (امریکا) و نه حتی به قوانینی که خود وضع کرده است، برای فریب مردم ستم‌دیده، حتی به آن هم عمل نمی‌کند، چیست؟ آنچه که من از جو این مجلس درک می‌کنم، اینست که، بیخود خود را معطل نکنند.

خلاصه اگر ما موضع انقلابی خود را، در حدی که امام انتظار دارد، ضبط کردیم، برای تمام انقلاب ضامن وجود دارد و اگر قرار باشد هر لحظه به تناسبی از موضع خودمان عقب‌نشینی نکنیم، بطور مسلم دچار شکست خواهیم شد.

وی سپس گفت: «با توجه به جنایات آمریکا، که احتیاج به تذکر نیست، توطئه‌طبی و توطئه کودتا و... من پیشنهاد می‌کنم ستاد بسیج ملی این ملت را سریعاً برای کربلای کربلای مبارزه آماده کند. ملتی که شهادت را با غشوش باز استقبال می‌کند. حداقل مایک‌میلون تعلیم دیده در تهران داشته باشیم که در مواقع خاصی، اگر لازم شود، فوراً آثار را جمع کند و مسلح کند و به مواضع لازم اعزام نماید. این حرکت بسیج ملی بنظر من بظنی و کند انجام می‌گیرد. انتظار داریم این کار را سریع انجام بدهد در تهران و همچنین در شهرستانها.

وی آنگاه درباره نیروی مردم و استفاده از آن گفت: «در همه ابعاد انقلاب نیروی مردم باید بسیج شود. در ابعاد فرهنگی نظامی، سیاسی و... این مردم باید بسیج شوند. این برنامه باید اجرا شود و جای درنگ نیست.

نطق بعدی، یونس محمندی، نماینده خرمشهر، پس از استناد به آیه قرآن «لم یقولوا لایقولون» (چرا چیزی را می‌گویند که عمل نمی‌کنند) گفت:

«ما در آستانه تشکیل دولت جمهوری اسلامی هستیم. در گذشته دولت‌ها مسئولین فقط وعده می‌دادند و وعده‌ها را عمل نکردند باعث بی‌اعتمادی مردم به مسئولین می‌شود. مسئولین امر در نظام جمهوری اسلامی باید عمل کنند. باید همیشه با مردم در تماس باشند. اطلاعاتشان را از مردم بگیرند و به آنها گزارش بدهند. اگر این کارها نباشد، مردم از طریق شایعه اخبار را می‌گیرند. مسئولین امر باید به مردم گزارش بدهند، آنان را در مساجد و جاهای دیگر جمع کنند و مسائل را با آنان در میان بگذارند.»

وی سپس به مسائل حوزه انتخابیه‌اش خرمشهر اشاره کرد و گفت: «خرمشهر یک شهر مرزی و بسیار حساس است. در آنجا باید سپاه پاسداران از نظر وسایل مجهز و تأمین شود. متأسفانه اولیای امور کم توجه می‌کنند. این ارگان انقلابی را، همچنانکه آیت‌الله منتظری فرمودند، باید با تجهیزات سنگین آشنا کنند و در اختیارشان بگذارند.» وی سپس در اشاره به مشکل کشاورزان گفت: «واسطه‌ها خرما را از دهقانان ارزان می‌خرند و گران می‌فروشند و این باعث گرانی می‌شود. از وزارت کشاورزی می‌خواهم دولت مصوب کشاورزان را بپردازد و آنان را تسویه کند، نه اینکه دست‌واسطه‌ها بپزند.»

وی سپس گفت: «پاکسازی نه تنها در ادارات، بلکه در بازار هم لازم است. این محکرمین که مایحتاج مردم را در انبارها نگه می‌دارند این چیزهایی که هر روز توسط کتیبها به بندر آورده می‌شود، به کجا می‌رود؟ به انبارهای محکرمین. بصورتیکه جیبایشان پر شود. باید هر چه سریعتر باین مسائل رسیدگی شود.»

وی از دولت خواست که بوضع انبارهای متروکه کمک و کالاهای موجود در آن رسیدگی کند و مانع از نابودی آنها شود.

سخنران بعدی، اسدالله عالی‌پور، از ایلام بود، که درباره وضع

آموزش و پرورش ایلام توضیحاتی داد. وی مدتی از وقتش را به زنگنه نماینده تبریز داد. زنگنه ضمن سخنانی قاطع و قوت‌ارزش را برشمرد. وی از جمله گفت:

«یکی از تغییرات مثبت تغییر جهت و فلسفه وجودی ارتش است. قبلاً ارتش برای حفظ نظام شاهنشاهی و منافع امپریالیسم، بخصوص امپریالیسم آمریکا، در منطقه بود. بودجه غول‌آسای ارتش تقبیل یافت به حداقل ممکن. بعلت آنکه ما خواهان ارتشی نیستیم که ژاندارم امپریالیسم در منطقه باشد.»

وی سپس درباره نقاط منفی گفت:

«۱- تیمساریز شدن و تیمسار زدگی که ناشی از تخصص زدگی و خودباختگی در برابر ارتشها و معیارهای غرب است. تخصص محفوظ، ولی ایمان و تقوا مقدم است. ۲- بر اثر همین تیمسار زدگی باید با زبانه وجود داشته و دارد. مساله دیگر جلوگیری از رشد نیروهای انقلابی مسلمان، عدم اجرای تصفیه جدی و کافی در صفوف بالای ارتش و عودت دادن امداد اطلاعاتی تصفیه شده و اعمال نظر صرفه و ماندن عده‌ای از ساواکیها در ارتش، و مساله دیگر عدم تصفیه سیستم کل ارتش است.»

آخرین نطق پیش از دستور، صدر حاج‌سیدجوادی، نماینده قزوین بود. وی پس از توضیحاتی درباره صدمات ناشی از سیل به مردم و کشاورزان قزوین، گفت:

«اگر تا ۳-۴ روز دیگر ماشین‌آلات و وسایل دولتی نرسد، بعلت نرسیدن آب کشتزارهای ناحیه وسیعی از قزوین خشک خواهد شد.»

وی آنگاه ضمن پیشنهاد تشکیل هیئتی جهت رسیدگی به مسوالت و حوادث کوشه و کنار کشور، سئوالی را که از وزارت کشور کرده بود، تقدیم ریاست مجلس کرد.

پس از سخنان پیش از دستور، اعتبارنامه فخرالدین رحیمی، نماینده ملایری لرستان، بدون مخالفت مورد تصویب قرار گرفت. آنگاه مخبر کمیسیون تحقیق اعلام کرد که اعتبارنامه اسحق فرهمندپور، نماینده کلیان ایران، با ۱۵ رای مخالف و یک رای ممتنع در آن کمیسیون رد شده است. دلایل رد اعتبارنامه اسحق فرهمندپور بشرح زیر است:

۱- قدسی و ارتباط با دربار پهلوی. وی از تاریخ ۱۳۴۶ به دفتر غلامرضا پهلوی برای تدریس به بهمن پهلوی، پسر وی، معرفی شده است.

۲- فعالیت و همکاری با موسسه او. ت. ث. O.A.T سازمان تادیب از طریق کارآموزی حرفه‌ای. این سازمان یک موسسه بین‌المللی است، که مرکز آن در ژنو است و با سازمانهای مختلف صهیونیستی، از جمله آژانس جهانی اسرائیل، شورای بین‌المللی خدمات یهودیان، انجمن کلنی‌سازی یهودیان و... ارتباط دارد.

۳- موضع‌گیریهای سیاسی فرهمندپور در مورد گروه‌گراگیری، جنایات آمریکا و نیز اعتراض به اعدام دانیال پور، جاسوس معروف اسرائیل و عضو سازمان زیتون (شاخه سازمان جاسوسی موساد در ایران)

دکتر زیدی، مخبر کمیسیون تحقیق، در توضیح بیشتر علل رد اعتبارنامه گفت:

«دولت آمریکا کمکهای خود را از طریق «ای. آی. دی» به سازمان «او. آ. ت. ث. می‌داد...»

حجت‌الاسلام خلغالی، به عنوان مخالف با اعتبارنامه اسحق فرهمندپور و ضمن تأکید بر اینکه مجلس هیچ سبب‌مندی با یهودیان ندارد، گفت:

«در مورد آلبرت دانیال پور، که فرهمندپور با اتمامش مخالفت می‌کرد، باید بگویم که وی از جاسوسان درجه اول صهیونیسم و اسرائیل بوده است و حتی پروتوگرایسکی رئیس‌جمهور اریتریا برای نجات دانیال پور به ایران آمد و کلاهپاری کرد...»

وی افزود: «جامعه روشنفکران یهودی‌نامه‌های زیادی برای کمیسیون تحقیق فرستادند و نوشتند که ایشان یک صیونست وابسته به صهیونیسم بین‌المللی است و چند مرتبه به اسرائیل، یعنی پایگاه تجاوزات ایالات متحده آمریکا سفر کرده است... من اعتقاد دارم که وی صلاحیت نمایندگی جامعه یهودیان ایران را ندارد...»

افضاری، مخالف بعدی اعتبارنامه فرهمندپور، گفت:

«اسرائیل امروز سرریزه آمریکا در خاورمیانه است و برای مجلس شورای اسلامی بسیار زشت است که عوامل این سرریزه آمریکا در ایران تاکنون وجود داشته باشند.»

پس از آن فرهمندپور در دفاع از خود سخن گفت. سپس در مورد اعتبارنامه وی رای گیری بعمل آمد. در نتیجه رای گیری، اعتبارنامه وی با ۲۰ رای مخالف و ۳۶ رای موافق و ۸۹ رای ممتنع رد شد.

جلسه دیروز مجلس، ساعت ۱۲:۴۰ پایان یافت، و اعلام شد که جلسه بعدی روز سمنشنبه ساعت ۹ صبح خواهد شد.

در حاشیه مجلس

علیه فرهمندپور، به مجلس فرستاده بودند، گفت: «جامعه روشنفکران یهودی بر علیه صیونیسم و آمریکا مبارزه می‌کردند و می‌کنند و پدر «آیت‌الله طالقانی» قید هم بر کار ایشان نظارت داشتند و پس از فوت پدر هم مراسم برگزار کردند و من در یکی از جلسات آنها شرکت کرده‌ام.»

فرهمندپور پاسخ داد: «جامعه روشنفکران یهودی پنج هزار فحش با آمریکا داده‌اند. خوب است، هزار فحش به صیونیسم داده‌اند خوب است. ولی یک فحش هم در روزنامه‌شان به «روسیه» نمی‌دهند!»

یکی از نمایندگان از او خواست که صریحاً دشمنی خود را با صیونیسم و آمریکا بیان کند. او گفت:

«دو صد مرگ بر آمریکا، دو صد مرگ بر اسرائیل، پنج صد مرگ بر روسیه!»

مگر آمریکا جنایت کرده؟! اسحق فرهمندپور، که اعتبارنامه‌اش رد شد، در مساجد و اجتماعات، درباره جنایات آمریکا و گروه‌ها گفته بود:

«من هنوز در عمق تمام جنایاتی که آمریکا در ایران انجام داده نیست... بطور دقیق نمی‌توانم بگویم چه جنایاتی کرده! معلم خوب!»

فرهمندپور، که ۹ ماه به‌سرس غلامرضا درس می‌داده است، در توجیه علنی گفت: «ای کاشی شاه» هم معلمین خوبی داشت، که مانع از جنایات او می‌شدند!»

قابل توجه کسانی که به «روسیه» فحش میدهند اعظم طالقانی درباره مایهت جامعه روشنفکران یهودی، که مدارکی

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در هشتر طوالش: باهوشیاری، توطئه ضد انقلاب را خنثی کنیم

شهسریان عزیز، مردم مبارز هشتر! همانطور که خبر دارید نیمه شب ۲۱ مرداد ۱۳۵۹، عده‌ای از عناصر مشکوک و ناآگاه، به تحریک افراد غیر مسئول به کیوسک نشریات نیروهای شرقی و انقلابی، از جمله حزب توده ایران، یورش بردند و پس از شکستن، به غارت آنها پرداختند. عناصر ضد انقلابی که در بین این گروه خود را جا زده بودند، ظاهراً موفق شدند بالاخره پس از گذشت یکسال و نیم از انقلاب شکوهمند مردم ایران، آرامش شهر هشتر را بهم زنند تا شاید بتوانند از این رهگذرینفع خود امپریالیسم چائیکار آمریکای که در این روزها همه‌جانبه در حسد تدارک توطئه علیه انقلاب ایران است، بهره‌برگیرند. ولی خوشبختانه با هوشیاری‌های که نیروهای چپ‌راستین از خود نشان دادند، نقشه‌های شوم و تبهکارانه ضد انقلاب نقش بر آب شد و ضد انقلاب توانست فقط چند لحظه‌ای آرامش شهر را بهم زند، که آنهم خوشبختانه با اظهار نفرت شما مردم آگاه هشتر روبرو گشت.

چنانکه قبل از این نیز مکرراً اعلام داشتیم، اینگونه اعمال از جانب هر کس و با هریتی که باشند، فقط و فقط یسود ضد انقلاب و راهکنش مفسدشوم آن است. زیرا قانون مداخله بین‌المللی در حکومت کن، از قوانین قدیمی و شناخته شده امپریالیسم جهانی، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا است.

چه کسانی در کار هیئت ۷ نفری کارشکنی میکنند؟

مدتها پیش، مردم مبارز هشتر از تشکیل هیئت ۷ نفری تقسیم زمین، در اجرای فرمان رهبر انقلاب، ام‌خفتی، و لایحه مصوبه شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران مطلع شدند. این خبر که آزادی زحمتکشان روستا را از یوغ بردگی اربابان زمین‌دار و زالوصفت نوید میداد، مورد استقبال بی‌سابقه‌ای قرار گرفته و در پی آن، روستا به‌روستا رفت و مردم خود را برای استقبال کرده با شکرهای از هیئت آماده کردند. اما با کمال تأسف خردار شدیم که بعلت کارشکنی بعضی از عوامل، هیئت با درسر روبرو شده و نماینده

ضد انقلاب را در هر شکلی که ظاهر شود باید سرکوب کرد!

طبق اخبار رسیده ضد انقلابیون مسلح «در منطقه گوزان» با استفاده از اهماک‌کاری مشولین در رفع احتیاجات مردم به تبلیغات ضد انقلابی خود انزودمانند:

آنان با دادن مواد مورد احتیاج مردم از قبیل تاید، روغن و غیره علیه جمهوری اسلامی ایران تبلیغ کردند روستائیان را. به قیام علیه آن تسویق می‌کنند.

باین عمل ضد انقلاب در کنار فعالیت‌های تخریبی و تروریستی اردو سراسر منطقه، ایجاد وسیع توطئه و تحریک علیه جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد مشولین اجرایی باید از یکسو با مقابله قاطع با اعمال تخریبی و تروریستی این مزدوران، دستگیری و مجازات آنها و از سوی دیگر بابر آوردن احتیاجات بحق مردم زحمتکش زمینه هرگونه توطئه علیه انقلاب را از بین ببرند و نگذارند که ضد انقلاب با استفاده از تشدید غرضایی توده‌ها، انقلاب را زیر ضربه بگیرد. تأمین رفاه و حیثانکه امام جمعه تهران نیز خطب نشان ساخته است یکی از وظایف اصلی دولتی است که هم‌اکنون تشکیل میشود.

نامه مژوم آزگان مرکزی حزب توده ایران دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر یزادی خیابان نوری آخر شماره ۸۸ (دفتر نامه مردم، فعلاً در اشغال عناصر غیر مسئول است) NAMEH MARDOM No. 310 18 August 1980 Price: West-Germany 0,80 DM France 2 Fr. Austria 8 Sch. England 20 P. Belgium 10 Fr. Italy 350 L. U.S.A 50 Cts. Sweden 1-50 Skr.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بردوش زحمتکشان سنگینی میکند زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر بار نجات داد